

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جهت نما

(۴۰ پرسش و پاسخ مہدوے)


مؤلف: محسن قرائتی

به کوشش: سیدمجتبی معنوی

سرشناسه	: قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: جهت‌نما (۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی) // مولف محسن قرائتی؛ به کوشش سیدمجتبی معنوی؛ [برای] حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی امامت و مهدویت.
مشخصات نشر	: قم: موسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۹ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲-۰۱۲-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۳۹.
موضوع	: مهدویت- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
موضوع	: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - پرسش‌ها و پاسخ‌ها
شناسه افزوده	: معنوی، سیدمجتبی، ۱۳۵۶ - ، گردآورنده
شناسه افزوده	: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی امامت و مهدویت
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ج۹/۳۶ق/۴/ BP۲۲۲۴
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۷۸۸۵۰

جهت‌نما (۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی)



مؤلف: محسن قرائتی
 به کوشش: سیدمجتبی معنوی
 ویراستار: فاطمه اکبری
 طراح جلد: عباس فریدی
 صفحه‌آرا: مسعود سلیمانی
 ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود 
 نوبت چاپ: هفتم / پاییز ۱۳۹۶
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲-۰۱۲-۵
 شمارگان: پنج‌هزار نسخه (تاکنون بیست‌ودو هزار نسخه)
 قیمت: ۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

قم: خیابان شهلا/کوچه آمار(۲۲)/بن بست شهید علیان/پ:۲۶/تلفن:۰۱-۳۷۸۴۱۱۳۰-۰۲۵/نمبر:۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳
 تهران: خیابان انقلاب/خیابان قدس/خیابان ایتالیا/پ:۹۸/تلفن:۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰
 نمایر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

www.mahdaviat.ir
 info@mahdaviat.ir
 Entesharatbonyad@chmail.ir

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
الطَّاهِرِیْنَ

به لطف خداوند و عنایت امام زمان علیه السلام، حدود ۵۰ سال است که به امر تبلیغ دین برای عموم مردم به ویژه نسل جوان مشغول هستم و علاوه بر مباحث درس‌هایی از قرآن که هر هفته از تلویزیون پخش می‌شود، یک دوره اصول عقاید، فروع دین و تفسیر قرآن به نگارش درآورده‌ام که همگی آنها در نرم-افزاری تحت عنوان مجموعه آثار جمع‌آوری و منتشر گردیده است.

حجت الاسلام والمسلمین سید مجتبی معنوی از فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، به سفارش انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام مطالب مرتبط با عنوان کتاب را از مجموعه آثار بنده استخراج و پس از تدوین، به شکل حاضر عرضه کرده‌اند. امید است تلاش ایشان مورد قبول حضرتش واقع شده و برای خوانندگان مفید واقع شود.

محسن قرائتی

فهرست مطالب

۱. اعتقاد به موعود در ادیان چگونه مطرح شده است؟..... ۱۶
۲. چرا امام زمان غایب شد؟ ۱۸
۳. چگونه ممکن است انسانی مانند امام زمان علیه السلام عمر چند صدساله و یا چند هزار ساله داشته باشد؟..... ۲۰
۴. چه کسانی صلاحیت مدیریت جهان را دارند؟ ۲۴
۵. در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام حاکم اسلامی از کدام گروه مسلمین خواهد بود؟..... ۲۹
۶. با توجه به این که بخشی از شرایط ظهور در حال حاضر محقق نشده است، چگونه می توان همچنان منتظر بود؟..... ۳۱
۷. آیا این مطلب درست است که اگر دنیا پر از ظلم شود؛ امام زمان زودتر ظهور می کند؟..... ۳۶
۸. حضور و آمادگی چه تعدادی از یاران امام زمان علیه السلام برای قیام وی کفایت می کند؟..... ۳۸
۹. چگونه امام زمان علیه السلام می تواند حکومت واحدی تشکیل دهد و همه مکاتب و ادیان را گرد هم آورد؟..... ۴۴
۱۰. امام زمان علیه السلام چه زمانی ظهور می کند؟..... ۴۹
۱۱. آیا ممکن است امام زمان علیه السلام در عصر غیبت دیده شود؟..... ۵۰
۱۲. وظیفه منتظران در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام چیست؟..... ۵۲
۱۳. آیا توصیه به رفتن به مسجد جمکران سند معتبری دارد؟..... ۵۹

۱۴. معنای انتظار چیست؟ ۶۱
۱۵. آیا تطبیق هایی که در عرصه مهدویت انجام می شود، صحیح است؟ ۶۳
۱۶. آیا امام زمان علیه السلام همسر و فرزند دارد؟ ۶۸
۱۷. توجه امام زمان علیه السلام به دوست داران خود چگونه است؟ ۷۱
۱۸. معنای این حدیث که می فرماید: «لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛ اگر حجت خدا نباشد، هر آینه زمین اهلش را فرو می برد»؛ چیست؟ ۴۷
۱۹. آیا دعا کردن، صدقه دادن و هدایای مادی و معنوی برای امامان به خصوص حضرت مهدی علیه السلام اثری دارد؟ ۷۶
۲۰. منتظران ظهور امام زمان علیه السلام چگونه می توانند او را یاری کنند؟ ۷۹
۲۱. چگونه ممکن است امام زمان در کودکی رهبر مسلمانان جهان شود؟ ۸۳
۲۲. آیا الگوی حکومت حضرت مهدی علیه السلام و افراد آن قبل از ظهور تحقق می یابد؟ ۸۶
۳۲. اگر بخواهیم خود را برای نظام مهدوی آماده کنیم، باید چه نگاهی داشته باشیم؟ ۹۸
۲۴. چگونه می توان وعده حکومت جهانی را باور و تقویت نمود؟ ۹۲
۲۵. چگونه می توان فهمید که ما جزء یاران آن حضرت هستیم؟ ۹۴
۲۶. چگونه روحیه انتظار را در خود تقویت کنیم؟ ۹۶
۲۷. رابطه شب قدر و حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ۹۹
۲۸. چرا هنگامی که نام امام زمان علیه السلام برده می شود، قیام می کنیم؟ ۱۰۱
۲۹. امام عصر علیه السلام با حضور در یک منطقه چگونه هدایت کل بشر را در دنیا انجام می دهد؟ ۱۰۳
۳۰. آیا در زمان حکومت امام عصر علیه السلام به هیچ وجه ظلم و ستم نخواهد بود و انحرافی صورت نخواهد گرفت؟ ۱۰۶
۳۱. چرا در عصر غیبت باید به ولی فقیه مراجعه کرد؟ ۱۰۷

۳۲. ویژگی‌های حکومت امام زمان چیست؟ ۱۱۲
۳۳. ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام چیست؟ ۱۱۷
۳۴. با توجه به کثرت و تنوع سلاح‌های پیشرفته و قدرت نظامی دشمنان امام زمان علیه السلام، ایشان چگونه بر آنها غلبه می‌کند؟ ۱۱۹
۳۵. منظور از ملاقات امام در حج چیست؟ ۱۲۱
۳۶. امام زمان چگونه ناظر اعمال ماست؟ ۱۲۳
۳۷. در برخی از روایات آمده است که هر قیامی قبل از ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام طاغوت و باطل است. آیا می‌توان به این روایات اعتماد کرد؟ ۱۲۵
۳۸. وقتی امام زمان بیاید، چه اتفاقی روی خواهد داد؟ ۱۲۷
۳۹. رضایت امام زمان از چه راهی به دست می‌آید؟ ۱۲۹
۴۰. امام زمان در بقای هستی چه نقشی دارد؟ ۱۳۳
- منابع و مأخذ ۱۳۹

مقدمه

جایگاه امامت همچون نبوت است. به همان دلیلی که به انبیا نیاز داریم، به امامان معصوم هم نیازمندیم. دلیل نیازمندی بشر به رهبر معصوم (چه پیامبر و چه امام) ضعف عقل و علم انسان است. اگر عقل انسان کامل بود، هیچ کس در عمرش بارها پشیمان نمی‌شد و اگر تشخیص انسان صحیح بود، هیچ طلاق‌ی صورت نمی‌گرفت. صدها میلیون پشیمانی و طلاق نشان دهنده آن است که عقل و تشخیص انسان کامل نیست و همه چیز را نمی‌تواند به خوبی تشخیص دهد. عقل انسان مثل ترازوی طلافروشان است که چیزهای جزئی و سبک را می‌توان با آن وزن کرد ولی در بسیاری از موارد، آن ترازوها در سنجش وزن اجسام توانایی لازم را ندارند؛ از این رو کسی می‌تواند قانون صحیحی وضع کند که گذشته و آینده را بداند. تمام مصالح و مفاسد را بشناسد، تحت تأثیر هیچ فشار و جریان سیاسی، اجتماعی و روانی قرار نگیرد و از بازتاب مثبت و منفی قانون در حال یا آینده آگاه باشد. به عبارت دیگر علم غیب داشته باشد و افزون بر آن نسبت به انسان‌ها خیرخواه و مهربان باشد؛ هیچ سود و زبانی برای خودش در نظر نگرفته باشد و هیچ قدرتی بر او اثر نگذارد. چنین قانون‌گذاری فقط خداوند متعال است که بشر را به وسیله رهبر معصوم هدایت می‌کند. خدای حکیم هرگز

انسان را بدون قانون و رهبر رها نمی‌کند؛ قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا مِنْ سَمَاءٍ قُورًا مِّنْ أَنْزَلِ الْكِتَابِ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ يَجْعَلُونَهُ قَرَارِطِينَ تَبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَ عَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ﴾^۱ خداوند را آن‌گونه که شایسته اوست، نشناختند؛ چرا که گفتند: «خداوند بر هیچ بشری، چیزی نازل نکرده است.» بگو: «کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود، چه کسی نازل کرد؟ کتابی که آن را ورق ورق کرده [و به دلخواه خود] بخشی را آشکار و بسیاری را پنهان می‌سازید و آنچه را شما و پدران‌تان نمی‌دانستید [از طریق همان کتاب آسمانی تورات] به شما آموخته شد.» [ای پیامبر!] بگو: «خدا» [بود که آن‌ها را نازل کرد]، پس ایشان را رها کن تا در گفتار باطل خود سرگرم باشند.

از یک‌سو فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی، لطفی از سوی خداوند به بندگان است. کسانی که آنان را انکار می‌کنند، در واقع منکر لطف، رحمت و حکمت الهی‌اند. آری! داشتن توحید کامل نیازمند این باور است که خداوند هرگز بشر را به حال خود رها نکرده و برای هدایت آن‌ها پیامبرانی را فرستاده است.

۱. انعام (۶)، ۹۱.

از سوی دیگر، نبوت زمانی کامل می‌شود که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پس از خود، یک انسان کامل را رهبر مردم قرار دهد، در غیر این صورت نبوتش کامل نیست. معنای ﴿الیوم اکملت لکم دینکم﴾؛ این است که امروز، با معرفی علی بن ابیطالب علیه السلام در غدیر خم، دین کامل شد و اگر این معرفی صورت نگیرد، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، تلاش آن حضرت بدون نتیجه خواهد ماند: ﴿و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته﴾^۱.

از سویی دیگر، امامت زمانی کاملاً محقق می‌شود که رهبری امت، آن‌گونه که شایسته است، حاصل شود و به همین دلیل لازم است که ظهور حضرت مهدی علیه السلام مورد توجه قرار می‌گیرد؛ در غیر این صورت برای امامی که به تعبیر خودش خار در چشم و استخوان در گلو دارد و حقش را دیگران برده‌اند؛^۲ امکان رهبری وجود ندارد. ناله‌های حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه به قدری جانسوز است که گاهی به صورت خود سیلی می‌زند و مردم را نفرین نموده و آنان را لاشه‌های بی‌روح و نامردان انسان نما معرفی می‌کنید؛ آنگاه که می‌فرماید: «یا اشباه الرجال و لا رجال و یا اشباح بلا ارواح»^۳.

اکنون نقش و جایگاه امام زمان علیه السلام با توجه به این جملات

۱. مائده، ۶۷.

۲. نهج البلاغه، ص ۴۸.

۳. همان، ص ۷۰.

بهتر تبیین می‌شود که اولاً توحید کامل به وجود نبوت نیازمند است و گرنه قدر خدا شناخته نخواهد داشت؛ ثانیاً نبوت کامل به امامت مشروط است و گرنه دین کاملی نخواهیم داشت و ثالثاً امامت کامل به ظهور حضرت مهدی علیه السلام وابسته است؛ بنابراین مهدی و ظهور او عصارهٔ همهٔ برنامه‌ها خواهد بود.

به عبارتی دیگر هسته مرکزی هدایت بشر در طول تاریخ، حضرت مهدی علیه السلام است. اوست که مکتب اصیل اسلام را از غبار بدعت‌ها و زنگار خرافات، هوس‌ها و سلیقه‌ها پاک می‌کند.

هدایت جامعه با تفسیر درست و متحد کردن مردم زیر پرچم بندگان صالح صورت می‌گیرد؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛^۱ «و همانا در [کتاب آسمانی] زبور [که بعد از ذکر، [تورات، نازل شده است] نوشتیم که قطع به یقین بندگان صالح وارث زمین خواهند شد.»

در زمره بندگان صالح و نیکوکار هیچ‌گونه امتیاز و تفاوت قومی، نژادی، منطقه‌ای و جنسیتی وجود ندارد و هدف از این برنامه، یعنی وراثت زمین و برنامه هدایت و رشد دادن بندگان، از بین بردن طاغوت و عملی کردن وعده‌های الهی می‌باشد؛ در نتیجه حضرت مهدی علیه السلام - که آخرین امام است -، همهٔ مردم را

۱. انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

تحت شعار «عبادی الصالحون»^۱ به شکلی متحد و هدفمند هدایت می‌کند و قرآن را از مهجوریت و اهل بیت: را از مظلومیت رهایی می‌بخشد.

ظهور امام زمان علیه السلام پدیده حقی است که با قدرت و عزت بر باطل چیره می‌شود و باطل را نابود می‌کند: ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾^۲ «حق باطل را آن‌گونه می‌کوبد که هسته مرکزی و مغز متفکر آن را در هم شکند پس، بی‌درنگ، باطل محو و نابود می‌شود.»

شایان ذکر است تحقق وعده‌های الهی به معنای مرفه بودن مسلمین و راحت بودن مطلق آنها نیست؛ زیرا با وجود غلبه حق بر باطل و یاری ویژه‌ای که خداوند نسبت به پیامبرانش دارد، باز هم مسلمانان گرفتاری‌ها، تلخی‌ها، شکنجه‌ها، محدودیت‌ها و تهمت‌ها را تحمل نمودند؛ بنابراین نباید تصور شود ظهور حضرت مهدی علیه السلام به معنای رسیدن به حکومت دینی، بدون رنج است؛ همان‌گونه که هیچ مادری امید به فرزند دار شدن را بدون درد زایمان تصور نمی‌کند. آری! امید به فرزند و فرزند دار شدن، قطعی و منطقی است؛ ولی همراه با درد زایمان. امید به ظهور حضرت مهدی علیه السلام قطعی و خوشایند است؛ ولی با آمادگی ویژه و مشکلاتی که باید خود را برای آن آماده کرد. چنانچه حضرت موسی بر

۱. همان.

۲. همان، ۱۸.

فرعون پیروز شد؛ ولی باز هم مشکلات زیادی را پیش رو داشت. در فتح مکه، خداوند متعال بنده و رسول خود را یاری کرد: «انجز وعده و نصر عبده»^۱؛ اما این پیروزی نیز بدون مشکلات نبود. اگر خداوند متعال هستی را برای بشر بیافریند و بشر را برای قرب و عبادت خودش خلق کند، ولی دست او را در دست غیر معصوم بگذارد، این کاری خلاف حکمت است که بدون شک از خدای حکیم، کار بیهوده و نمودن بالله ظلم و ستم سر نمی‌زند. کدام حکیم و کدام عقل سلیمی اجازه می‌دهد که تمام همت نظام آموزش و پرورش، تحصیل فرزندان ما باشد؛ ولی در عمل، دست فرزندانمان در دست معلم نااهل قرار گیرد؟!

بدیهی است واگذار نمودن هدایت جامعه به انسان غیر معصوم ظلم به بشر و بر خلاف حکمت، عقلانیت و خرد ورزی است. در این میان طبیعی است که برای رهپویان حقیقت و جستجوگران راه هدایت در جهت شناخت امام زمان سوالاتی مطرح گردد که در این مجموعه تلاش خواهد شد به تعدادی از آنها پاسخ داده شود.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

۱. اعلام‌الوری با اعلام‌المهدی، ص ۱۱۱.

۱. اعتقاد به موعود در ادیان چگونه مطرح شده است؟

در کتاب‌های مهم اعتقادی و حتی در کتاب‌های مذاهب غیر اسلامی، از جمله منابع آئین بودا و یهود، این نکته بیان شده است که در آینده باید نجات دهنده‌ای دنیا را نجات دهد. آری؛ دنیا مریض است. آیا می‌توانیم با اطمینان بگوییم که اگر در جامعه‌ای تحصیلات رشد کند، کمالات هم پیشرفت خواهد کرد؟ در پاسخ باید گفت بدون شک رشد علمی جامعه نشانگر کمال انسانی آن نخواهد بود.

دنیا در جهل و تاریکی می‌سوزد. همه دین‌ها معتقدند باید نجات دهنده‌ای برای گسترش عدالت بیاید. به همین جهت در زیارت امام زمان علیه السلام این گونه می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَی مَهْدِیِّ الْأُمَمِ»^۱ «سلام بر تو ای امامی که هدایتگر همه امت‌ها هستی»؛ نه فقط مسلمان‌ها بلکه همه امت‌ها؛ البته در ادیان مختلف نامی از آن حضرت برده نشده است؛ ولی همه آن‌ها می‌گویند: باید نجات دهنده‌ای ظهور کند و برای نجات انسان‌ها قیام نماید.

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱.

درباره امام زمان علیه السلام حتی قبل از تولد او کتاب‌های زیادی نوشته شده و مسأله ولادت و امامت او در آنها مطرح شده است.

۲. چرا امام زمان غایب شد؟

این مسأله را با یک مثال توضیح می‌دهم: اگر مسئولان اداره برق در منطقه‌ای لامپی را نصب کردند؛ ولی مردم آن را شکستند و مسئولان لامپ دوم و سوم تا یازدهم را نصب کنند؛ ولی باز هم مردم تمام یازده لامپ را در چند مرحله بشکنند؛ این کار آن‌ها نشان می‌دهد که قدر نور را نمی‌دانند؛ بنابراین باید با سعی و تلاش خود نوری کم؛ ولی با هزینه‌ای سنگین تهیه کنند تا شاید به ارزش واقعی برق پی ببرند. ماجرای امام زمان نیز همین گونه است. خداوند برای مردم یازده چراغ هدایت و امام معصوم معین کرد و احادیث فراوان از زبان مبارک پیامبر، نام و مشخصات آن‌ها را بیان نمود؛ ولی تمام یازده امام را یا با زهر یا با شمشیر به شهادت رساندند. خداوند نیز دوازدهمین چراغ هدایت را در پس پرده غیب نگاه داشت تا زمانی که جامعه، انواع حکومت‌ها را تجربه کند و به این باور برسد که هیچ گروهی با شعارها و انواع سیاست‌های گوناگون، توان ایجاد و گسترش

عدالت واقعی را ندارد و در نتیجه مردم آن چنان به ستوه آیند که تشنه واقعی برقراری عدالت و عاشق مردی الهی بشوند تا با رهبری او، همه باطل‌ها و مستکبرین از بین بروند و بندگان صالح خدا به قدرت برسند. آری؛ درک حکومت مهدی علیه السلام و گسترش عدالت نیازمند زمینه‌سازی است.

۳. چگونه ممکن است انسانی مانند امام زمان علیه السلام عمر چند صدساله و یا چند هزار ساله داشته باشد؟

در پاسخ می‌توان گفت عمر مثل حرکت است. حرکت هم روند تند و هم روند کند دارد. حرکت کند مثل حرکت رشد موی بدن، که در یک ماه حدود یک سانتی‌متر حرکت می‌کند. ممکن است حرکت نکند، مثل موی مژه و ابرو که ده‌ها سال بدون حرکت و در واقع بدون رشد باقی می‌ماند. گاهی نیز حرکت به قدری تند است که نمی‌توان آن را اندازه‌گیری کرد و یا مثل حرکت نور بسیار سریع است، ولی می‌دانیم که هیچ دلیل علمی و عقلی برای محدود کردن حرکت وجود ندارد.

در بعضی از منابع، کتاب‌های تاریخی و حتی آیات و روایات از عمرهای طولانی خبر می‌دهند. قرآن می‌فرماید: «حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال به تبلیغ مشغول بود.»^۱ در آیه ۲۵۹، سوره بقره نیز آمده است که یکی از اولیای خدا، معروف به حضرت عزیر، در

۱. عنکبوت (۲۹)، ۱۴.

حالی که سوار الاغی بود، از روستای ویرانه‌ای، عبور می‌کرد. از خدا پرسید که چگونه صاحبان این خانه‌ها که سال‌هاست مرده‌اند، دوباره زنده خواهند شد: ﴿أَنْتَ يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا؟!﴾ خداوند متعال برای آن که مسأله را به صورت تجربی برای او روشن کند، او را صد سال میراند: ﴿فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ﴾ سپس او را زنده کرد: ﴿ثُمَّ بَعَثَهُ﴾ و از او پرسید: «چه مدت است که در این جا هستی؟»: ﴿قَالَ كَمْ لَيْثٌ﴾؟ گفت: «روزی یا بخشی از روزی»: ﴿قَالَ لَيْثٌ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ﴾. خداوند متعال فرمود: «نه؛ تو صد سال است که مرده ای»: ﴿قَالَ بَلْ لَيْثٌ مِائَةَ عَامٍ﴾ اکنون به الاغت نگاه کن که چگونه استخوان‌های او را سر پا می‌کنیم و نیز به غذا و نوشیدنی خود بنگر که هیچ تغییر نکرده است! «غذا اگر در جایی مثل یخچال و سردخانه نباشد، پس از یک هفته تغییر می‌کند. صد سال چند هفته است؟ وقتی یک سال ۵۲ هفته است، پس صد سال ۵۲۰۰ هفته می‌شود؛ بنابراین، خداوند متعال غذای این بنده را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی سالم نگه داشت، در حالی که عمر امام زمان علیه السلام از آغاز تولد تاکنون، حتی بیش از بیست برابر عمر طبیعی نبوده است. خداوند متعال با این آیه قدرت خود را نشان می‌دهد که ما می‌توانیم صدها و هزارها برابر عمر طبیعی چیزی را نگه داریم. این معجزه می‌تواند دربارهٔ عمر امام علیه السلام هم اتفاق بیفتد.

همچنین از این آیه اهمیت علم تجربی فهمیده می‌شود؛ بر این اساس که علم تجربی به قدری ارزش دارد که یک پیامبر، باید صد سال بمیرد تا چیزی را با حس درک کند. همچنین از این آیه استفاده می‌شود که زنده شدن مرده مخصوص قیامت نیست؛ بلکه در همین دنیا نمونه‌هایی از زنده شدن بعضی مردگان وجود دارد که به اصطلاح آن را «رجعت» می‌گویند. مردگانی که با معجزه حضرت عیسی علیه السلام زنده شدند، از این نمونه اند و نیز مرده‌ای که در آیه مورد بحث به آن اشاره شد.

همچنین از این آیه استفاده می‌شود که اگر ریشه سؤال عناد و لجاجت نباشد، می‌تواند گامی به سمت رشد و تکامل انسان باشد. از نمونه‌های دیگر قرآنی

طولانی بودن عمر انسان در داستان حضرت یونس در سوره صافات آیات ۱۳۹ تا ۱۴۴ است. در مضمون این آیات می‌خوانیم که همانا یونس از فرستادگان است. آن‌گاه که از قوم خود فرار کرد و به سوی کشتی پر از بار و مسافر شتافت. ناگهان کشتی به خطر افتاد و قرار بر این شد تا بر اساس قرعه، افرادی به دریا افکنده شوند. پس، یونس با مسافران کشتی قرعه انداخت و از بازندگان شد و او را به دریا افکندند و در این حال ماهی بزرگی او را بلعید. او خود را سرزنش کرد و در شکم ماهی به تسبیح خداوند پرداخت و اگر از

تسیح گویان نبود، تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند ﴿اللبث فی بطنه الی یوم یبعثون﴾. از این آیه معلوم می شود که زنده ماندن تا روز قیامت امکان دارد.

همچنین دربارهٔ عمر طولانی می توان به این نمونهٔ قرآنی اشاره کرد که ابلیس از خداوند متعال خواست تا روز قیامت به او مهلت بدهد: ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾^۱ خداوند متعال او را تا زمان بسیار طولانی عمر داد: ﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ الی یوم الوقت المعلوم﴾^۲.

۱. ص (۳۸)، ۷۹.

۲. همان، ۸۰ و ۸۱.

۴. چه کسانی صلاحیت مدیریت جهان را دارند؟

قرآن سیمای آینده جهان را «حاکمیت صالحان» می‌داند: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱
در آیات دیگر نیز افراد صالح را با وصف متقین معرفی می‌کند: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۲

در آیه دیگر، وعده خلافت را به کسانی داده که اهل ایمان و عمل صالح هستند: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾^۳

از مجموع این آیات استفاده می‌شود که مدیریت آینده جهان مربوط به کسانی است که پرهیزکار، اهل ایمان و عمل صالح باشند. البته معنای ایمان، عمل صالح و تقوا روشن است؛ اما صلاحیت برای مدیریت زمین که خداوند در آیه ﴿یَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ از آن سخن می‌گوید؛ شاید نیازمند توضیح باشد و آن

۱. انبیاء (۲)، ۱۰۵.

۲. اعراف (۷)، ۱۲۸.

۳. نور (۲۴)، ۵۵.

این است که چه نوع صلاحیتی شرط حاکمیت است؟
 صلاحیت روحی، سعه صدر، صلاحیت علمی، فکری، فرهنگی،
 بصیرتی، تدبیر، خلاقیت، صلاحیت مقاومت، صلابت، شجاعت،
 صلاحیت برنامه ریزی و پیش بینی‌های لازم، صلاحیت سابقه،
 خانواده و یاران و هر نوع صلاحیت دیگر را حاکم الهی برای
 میلیاردها انسان لازم دارد.

در قرآن می‌خوانیم: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛
 «حاکمان زمین بندگان صالح خداوند متعال هستند» و همه امت
 باید در طول تاریخ بر آن‌ها سلام کنند: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ
 الصَّالِحِينَ» و ما با این سلام، با حاکمان الهی آینده، پیوند برقرار
 می‌کنیم. افراد زیادی هستند که در عبادت‌های فردی، کمالات
 و امتیازات بالایی دارند ولی در مدیریت اجتماعی صلاحیت رهبری
 ندارند؛ مثلاً ابوذر یکی از یاران با وفای پیامبر و امیر المؤمنین علیه السلام
 بود که رسول خدا درباره وی ابوذر فرمود: «درختی بر انسانی
 راستگوتر از ابی ذر سایه نیفکنده است.»^۱

قَالَ عليه السلام: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلوات الله عليه يَقُولُ: «مَا أَظَلَّتِ الْخَضِرَاءُ... ذَا لَهْجَةٍ
 أَصْدَقَ مِنْ أَبِي ذَرٍّ الْغَفَارِيِّ.»

همین ابوذر با برخورد انقلابی و صراحت لهجه، پایه‌های
 حکومت عثمان و معاویه را لرزاند. تا آن‌جا که این صحابی کبیر

۱. انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۲۱.

را به ربه تبعید کردند و در همان جا غریبانه کنار دخترش جان داد؛ اما پیامبر خطاب به او فرمود: «يَا بَا ذَرِّ إِنِّي أُحِبُّ لَكَ مَا أُحِبُّ لِنَفْسِي. إِنِّي أَرَاكَ ضَعِيفًا فَلَا تَأْمُرَنَّ عَلَيَّ اثْنَيْنِ وَلَا تَوَلَّيَنَّ مَالَ يَتِيمٍ.»^۱ ای ایذا! من هرچه برای خودم می‌خواهم برای تو هم می‌خواهم و تو را دوست دارم؛ لکن در تو وضعی است که نباید مسئولیت دو نفر را بپذیری و مال یتیم را نباید متولی شوی.»

یک خاطره

پس از رحلت یکی از مراجع بزرگ تقلید سخن از این بود که مرجع بعدی چه کسی باشد. در انتخاب مرجعیت بیش‌تر به مسأله اعلم بودن و پرهیزکارتر بودن توجه می‌شد. در همان ایام بنده در برنامه‌درس‌هایی از قرآن گفتم که مسأله علم و تقوا و زهد و کمالات، همه مورد قبول است؛ ولی در قرآن آیاتی وجود دارد که سزاوار است در انتخاب مرجعیت به آن آیات نیز (غیر از علم و تقوا) توجه بشود؛ مثلاً در آیه «ترهبون به عدو الله»^۲ قرآن سفارش می‌کند باید چنان دشمن خدا را بترسانید که آن‌ها جرأت سلطه، نفوذ، دخالت، تهدید و تهاجم به شما را نداشته باشند. همچنین قرآن می‌فرماید: «ليغيب هم الكفار»^۳ جامعه اسلامی باید از چنان پیشرفت و صلاحیتی برخوردار باشد که

۱. مالک، ص ۳۸۴.

۲. انفال (۸)، ۶۰.

۳. فتح (۴۸)، ۲۹.

کفار به شدت از آن عصبانی شوند؛ و در جمله دیگر می‌خوانیم: ﴿اشدء علي الكفار رحماء بينهم﴾^۱ یعنی باید امت محمد ﷺ آن‌گونه باشند که نسبت به کفار باصلابت و نفوذناپذیر و نسبت به اهل ایمان رحیم و مهربان باشند. بر این اساس برای مرجعیت فقط اعلم بودن و پرهیزکارتر بودن کافی نیست.

با توجه به این آیات، بعضی افراد اگرچه از نظر علمی و تقوا جایگاه بسیار بالایی داشته باشند؛ اما اگر مرجع بشوند به خاطر برخی خصلت‌ها، ضعف‌ها، سلیقه‌ها یا برداشت‌ها، به صلابت، وحدت و قدرت امت خدشه وارد می‌کنند؛ بنابراین این در انتخاب مرجع باید به این آیات نیز توجه شود.

امام عسکری علیه السلام فرمود: «أَلَا إِنَّ الْفَقِيهَ مَنْ... أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»^۲؛ برای فقیه تنها قدرت اجتهاد کافی نیست، بلکه صفات دیگری لازم است تا بتواند امت و جامعه را از شر دشمنان نجات دهد. بنابراین بندگان صالحی که حاکمیت کره زمین را در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دست خواهند گرفت باید افرادی ویژه با خصوصیت‌های ممتاز باشند.

همان‌گونه که در مرجعیت باید به همه ابعاد توجه داشت، درباره بندگان صالحی که حاکمیت زمین را در زمان ظهور بر عهده می‌گیرند، نیز باید با نگاه جامعی مسأله را بررسی کرد.

۱. همان.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۵.

چنانچه در حدیث آمده است: «قلب یاران امام زمان علیه السلام مثل پاره بزرگ آهن است «إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ.»^۱ این نکته می‌رساند که استقامت، اعتقاد به امام، اعتقاد به مسیر، و شکیبایی در برابر سختی‌ها و مجاهدت‌های پیوسته از صفات یاران حضرت مهدی علیه السلام و منتظران واقعی ایشان است.

.....
۱. همان، ج ۵۱، ص ۳۵.

۵. در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام حاکم اسلامی از کدام گروه مسلمین خواهد بود؟

با توجه به قرآن می‌توانیم ثابت کنیم که حاکمان آینده از کدام گروه خواهند بود. تنها کافی است دو کلمه از دو آیه را کنار هم بگذاریم! ابتدا آیه‌ای که: خداوند در غدیر خم پس از نصب امیر المؤمنین علیه السلام نازل کرد و در آن فرمود: «الیوم... و رضیت لکم الاسلام دیناً.»^۱ امروز من از دین شما راضی هستم. بنابر آیه دیگری از قرآن دینی حاکم خواهد شد که مورد رضای خداوند متعال باشد و ما نیز دین مورد رضای خدا را دین غدیر خم می‌دانیم؛ زیرا با صراحت بیان شده است که من از این دین امروز شما راضی هستم. ﴿وَلَيُمْكُنَنَّ لَهُم دِينَهُم الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾^۲ با توجه به این که خداوند از سویی فرمود امروز از شما راضی شدم و از سوی دیگر دینی گسترش می‌یابد که مورد رضای خدا باشد؛ از وجه مشترک این دو نکته که همان رضایت الهی است، می‌توان فهمید

۱. مائده (۵)، ۳.

۲. نور (۲۴)، ۵۵.

که دین جهان شمول همان دینی است که در غدیر خم رقم خورد. در فهم هر آیه و حدیثی می‌توان از آیات و روایات دیگر یاری طلبید.

برای نمونه حدیثی وجود دارد که همه فرقه‌های اسلامی آن را نقل کرده‌اند. بنابراین حدیث حضرت رسول ﷺ فرموده است: یهود ۷۱ فرقه و مسیحیت ۷۲ فرقه شدند و مسلمان‌ها ۷۳ فرقه می‌شوند (البته شاید منظور از کلمه هفتاد، کثرت و تعداد زیاد باشد. سپس فرمود: «فرقه ناجیه» در میان همه فرقه‌های مسلمان یک گروه اهل نجات‌اند.^۱ طبیعی است که هر گروهی خود را اهل نجات می‌داند. در این جا بهتر است از خود پیامبر بپرسیم «آن فرقه‌ای که اهل نجات هستند کدامند» مثل پدری که می‌گوید: یکی از فرزندانم را دوست دارم و هر فرزندی می‌گوید که من، فرزند مورد نظر پدرم هستم، در این جا حرف آخر را باید پدر بزند. در این جا هم باید از خود پیامبر بپرسیم که گروه اهل نجات کدام یک از فرقه‌هاست و پیامبر در پاسخ می‌فرماید: «مثل اهل بیتی که مثل سفینه نوح من رگبها نجی»^۲ یعنی اهل نجات کسانی هستند که دنبال اهل بیت پیغمبر ﷺ بروند. بر این اساس در مورد فرقه ناجیه جای شبهه‌ای باقی نمی‌ماند.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۶۲.

۲. امالی، ص ۶۰.

۶. با توجه به این که بخشی از شرایط ظهور در حال حاضر

محقق نشده است، چگونه می توان همچنان منتظر بود؟

اولاً انسان خود می تواند شرایط را ایجاد کند تا حالت انتظار به طور طبیعی نیز پیش بیاید؛ مثلاً اگر پدری گفت: «من زمانی برای پسرم خانه می خرم که داماد شود، این ما هستیم که می توانیم او را امروز داماد کنیم یا ده ها سال بعد.» بنابراین شرایط را می توان مهیا کرد.

ثانیاً چنانچه در روایت آمده است، ممکن است شرایط لازم در یک شب ایجاد شود «یصلح الله له فی لیلته...»؛ خداوند متعال امر ظهور را یک شبه اصلاح می فرماید؛ مثلاً کارگری که در مؤسسه ای کار می کند و سال ها از خود ضعف و کم کاری نشان می دهد؛ ولی وقتی وارد منزل کارفرما می شود و می بیند فرزند خردسال کارفرما در حال غرق شدن در حوض است؛ در یک لحظه وارد آب می شود و کودک را نجات می دهد. این کار او تمام گله های بیست ساله کارفرما را از بین می برد. امت نیز می تواند

۱. /التحیة، ص ۱۶۳.

با تحولی درونی و تصمیم صحیح، یک شبه مسیر خود را تغییر دهد، چه در جنبه مثبت و چه در مسیر منفی؛ چه راه حق و چه راه باطل. مثلاً در مورد کارگری که گفته شد، اگر کارگر دیگری بیست سال به کار فرما خوش خدمتی کند؛ اما در یک لحظه وارد منزل کارفرما شود و فرزند او را بکشد؛ این عمل تمام خدمات بیست ساله او را از بین می‌برد.

در این باره می‌توان به نمونه دیگری اشاره کرد. اگر حضرت موسی علیه السلام می‌خواست تک تک ساحران را پیدا و با آنان گفت‌وگو کند، باید سال‌های زیادی تلاش می‌کرد تا بتواند یکایک آنان را هدایت کند؛ ولی فرعون با قدرت خود، همه آن‌ها را در پایتخت حاضر کرد و ساحران هم پس از دیدن معجزه موسی علیه السلام در یک لحظه، یکسره، ایمان آوردند؛ بنابراین، همان‌گونه که خداوند کار موسی را در یک لحظه اصلاح کرد، کار حضرت مهدی علیه السلام را نیز می‌تواند در یک لحظه اصلاح کند.

و یا اینکه ما در زمان خود نمونه ازدواج‌هایی را داریم که در آن گفتن، انتخاب، مراسم مختلف عقد و عروسی، همگی یک شبه تمام می‌شود و در مقابل ازدواج‌هایی وجود دارد که برای انتخاب چند سال، خواستگاری چند ماه، گفت‌وگو چند هفته و برای تعیین مراسم و تهیه سالن تا مراسم عروسی مدت‌های زیادی طول خواهد کشید.

نمونه دیگر این که شخصی به شهر مدینه وارد شد، وقتی شهر را خلوت دید؛ درباره آن از مردم سؤال کرد. به او گفتند که مردم برای جنگ احد از مدینه خارج شده‌اند. به محض اینکه از ماجرای جنگ آگاه شد، گوسفندانش رها کرد و خود را به احد رسانید؛ با پیامبر ملاقات کرد و به حقانیت اسلام پی برد. به جبهه رفت و به شهادت رسید در فاصله زمانی پس از طلوع آفتاب که وارد شهر شد تا قبل از ظهر، مسیر تحقیق، تسلیم و شهادت را طی کرد و حتی دو رکعت نماز هم نخواند. حضرت درباره او فرمود: «دَخَلَ الْجَنَّةَ وَلَمْ يَصِلْ رُكْعَةً»؛^۱ «داخل بهشت شد، در حالی که حتی یک رکعت نماز هم نخواند.»

افرادی هستند که تمام عمر خدمت می‌کنند؛ ولی قرآن درباره آنان می‌فرماید: ﴿عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً﴾؛^۲ یعنی افرادی که اهل کار بودند و پرتلاش؛ ولی عاقبت به دوزخ وارد می‌شوند؛ زیرا یا در ابتدا کارشان با اخلاص نبوده یا در آغاز با اخلاص شروع کردند؛ اما در نیمه کار گرفتار عجب و غرور شدند. یا مرحله اول و وسط را سالم طی می‌کنند؛ ولی پس از عمل، اجر کار خود را از بین می‌برند. بنابراین بزرگان اخلاق می‌گویند: «پیدایش اخلاص مشکل نیست، ادامه اخلاص مشکل است.»

۱. تفسیر خواطر محمد متولی الشعراوی، ص ۲۶، ذیل آیه ۱۰۵ نساء.
 ۲. غاشبه (۸۸)، ۴ و ۳.

بنابراین در قرآن کریم انجام دادن کار نیک مهم نیست؛ بلکه آوردن کار نیک به صحنه قیامت مهم است: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ﴾؛ یعنی «کسی که کار نیک را تا قیامت با خود بیاورد»؛ و فرمود: ﴿مَنْ عَمِلَ بِالْحَسَنَةِ﴾؛ یعنی کسی که عمل نیکی انجام داد؛ زیرا بسیاری از افراد کارهای نیکی انجام می‌دهند؛ ولی عمل نیک آن‌ها به قیامت نمی‌رسد.

نمونه مناسب آن عبادت‌های ابلیس است. حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «او سابقه شش هزار سال عبادت داشت.» سپس ادامه می‌دهد: «معلوم نیست این سال‌ها، سال‌های دنیوی است یا اخروی»؛ اگر ببینیم که یک روز آخرت معادل پنجاه هزار سال دنیاست، آن وقت مقدار عبادت‌های ابلیس معلوم می‌شود:

«وَ كَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ لَا يُدْرَى أَمِنْ سِنِي الدُّنْيَا
أَمْ مِنْ سِنِي الْآخِرَةِ عَنْ كِبْرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ.»^۲

کوتاه سخن آن که هیچ کس نمی‌تواند با محاسبات، خیالات و پیش‌بینی‌های خود قاطعانه سخنی بگوید و به آینده خود مطمئن باشد. ممکن است تخت بی‌دست و پای بلقیس در یک چشم به هم زدن از منطقه‌ای به منطقه‌ای منتقل شود و انسان‌های با دست و پا چنان زمین گیر شوند که سال‌ها از

۱. انعام (۶)، ۱۶۰.

۲. نهج البلاغه، ص ۲۸۷.

بستر تکان نخورند: ﴿أنا آتیک به قبل ان یرتد الیک طرفک﴾^۱. خداوند متعال نوزاد بی‌دست و پا را (حضرت موسی علیه السلام)، در دریا حفظ می‌کند و فرعون با دست و پا را غرق می‌فرماید. پرورگار توانا این قدرت را دارد که پیامبری مانند حضرت نوح را روی آب حفظ کند و پیامبر دیگری مثل یونس را در زیر آب محافظت نماید و از حضرت یوسف علیه السلام در چاه، کنار آب، نگه‌داری کند.

او دارای چنان قدرتی است که از درختان کوچک میوه‌های فراوان به وجود می‌آورد و در کنار آن درختان بزرگی که هیچ میوه‌ای ندارند، برمی‌افرازد.

همه این نمونه‌ها برای این گفته شد که چه بسا مقدمه ظهور حضرت مهدی علیه السلام با داشتن آن همه علایم و شرایط، ممکن است یک شبه فراهم شود.

۱. نمل (۲۷)، ۴۰.

۷. آیا این مطلب درست است که اگر دنیا پر از ظلم شود؛

امام زمان زودتر ظهور می‌کند؟

در حدیث نیامده است که دنیا پر از ظالم شود؛ بلکه فرموده‌اند: دنیا پر از ظلم شود. دقت در این باره نشان می‌دهد که این گونه روایات به توصیف جامعه در عصر غیبت می‌پردازد و به هیچ وجه بر وقوع ظلم و ستم توصیه و یا تأکید نمی‌کند؛ چون بین پر از ظلم شدن و پر از ظالم شدن تفاوت وجود دارد. برای مثال اگر بگویند وقتی در سالن را باز می‌کنیم که پر از دود شود، این به آن معنا نیست که همه مردم سیگاری شوند تا سالن پر از دود شود. شاید افراد زیادی که اهل سیگار نیستند، در سالن وجود داشته باشند؛ ولی فردی نا اهل، با آوردن کنده‌ای درخت سوخته، سالن را پر از دود کند. این جمله غیر از آن است که بگوییم وقتی در سالن را باز می‌کنیم که تمام مردم اهل سیگار باشند؛ پس، معنای جمله سالن پر از دود شود با سالن پر از افراد سیگاری شود، یکی نیست.

زمان ظهور، افرادی که از هر جهت صالحند، بسیار زیاد

هستند؛ ولی به وسیلهٔ چند جنایتکار همه دنیا می‌تواند پر از ظلم شود؛ همان‌طور که یک نفر می‌تواند با آوردن کنده‌ای درخت سوخته، سالن را پر از دود کند. یک یاغی متجاوز می‌تواند چند منطقه را به آتش بکشد، با آن‌که در هر منطقه افراد صالحی هم وجود داشته باشد.

۸. حضور و آمادگی چه تعدادی از یاران امام زمان علیه السلام برای

قیام وی کفایت می‌کند؟

هم یاران واقعی حضرت کم هستند و هم اینکه برای پذیرش و قبل از آن برای قیام امام باید آمادگی عمومی پیدا بشود. در قرآن می‌خوانیم پس از حضرت موسی ستمگری پیدا شد که مردم را از خانه، سرزمین و فرزندان‌شان جدا می‌کرد. مردم مظلوم نزد پیامبرشان رفتند و از او تقاضا کردند برایشان یک فرمانده نظامی تعیین کند تا در برابر آن ستمگر بایستند. پیامبرشان فرمود: «احتمال نمی‌دهید که اگر جهاد بر شما مقرر شد، جهاد نکنید؟!» گفتند: «هرگز!» ولی همین که به آن‌ها دستور جنگ داده شد، جز تعدادی کمی، همه سرپیچی کردند. خداوند متعال به این گروه که اظهار آمادگی و جانفشانی کردند؛ ولی در عمل سرپیچی نمودند، لقب «ظالم» نهاد و فرمود: «و الله علیهم بالظالمین»^۱. در این امتحان مکتبی، بیش‌تر افراد مردود شدند؛ حتی اقلیتی که جهاد را پذیرفتند،

۱. بقره (۲)، ۹۵.

در رهبری فرمانده تردید کردند؛ یعنی همین که پیامبرشان فرد لایقی (طالوت) را از سوی خداوند متعال برای فرماندهی تعیین کرد، گفتند: «چون ثروت ما بیش‌تر است، خود ما به فرماندهی سزاوارتریم. جمعی با این‌که نشانه‌های لیاقت طالوت را دیدند سرپیچی کردند. این نیز امتحان برخی دیگر و به نوعی امتحان دوم بود.

گروه دیگری که در ظاهر وفادار بودند، به سوی جبهه حرکت کردند. رهبرشان فرمود: در طول مسیر، خداوند متعال شما را به نهر آبی آزمایش می‌کند. سعی کنید از آن ننوشید! هر که از آن بنوشد از ما نیست البته اجازه دارید که با دست لبی‌تر کنید؛ اما خود را سیراب نکنید.» این گروه وفادار نیز، همین‌که به آب رسیدند، نتوانستند خود را حفظ کنند و کاملاً خود را سیراب کردند (این امتحان سوم بود). در این امتحان نیز گروهی مردود شدند. کسانی که فرمان جهاد را پذیرفتند، رهبری طالوت را هم پذیرفتند و از مسئله شکم هم گذشتند؛ اما همین‌که در مقابل دشمن قرار گرفتند، گفتند: «ما حریف دشمن نیستیم، و این شعار را سر دادند که ﴿لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ﴾ (این امتحان چهارم). در این میان تعداد کمی باقی ماندند که آن‌ها نیز این شعار را سر دادند: ﴿كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً

بِإِذْنِ اللَّهِ^۱

کوتاه سخن آن که هر کس در ظاهر ادعای انتظار و اعلام وفاداری می‌کند؛ اما باید مراحل مختلف امتحان را سپری کرد تا معلوم گردد که، افراد صادق چند نفر هستند؛ نه تنها در عرصه جهاد بلکه در سایر عرصه‌ها نیز چنین است.

در حدیث می‌خوانیم که حضرت فرمود: «ما أَكْثَرَ الضَّجِيجِ وَ أَقَلَّ الْحَجِيجِ»^۲؛ «چه بسیارند کسانی که در مکه ظاهر مناسک را انجام می‌دهند و اهل ناله و انابه هم هستند؛ ولی حاجیان واقعی بسیار اندکند؛ افزون بر احکام، در نبوت نیز مسأله چنین است. قبل از بعثت افرادی منتظر حضرت رسول ﷺ بودند و چون می‌دانستند که شهر مدینه محل هجرت پیامبر قرار خواهد گرفت، سال‌ها قبل از بعثت پیامبر ﷺ در آن‌جا ساکن شدند و ضمن تجارت منتظر ظهور پیامبر بودند؛ ولی بعد از ظهور، با این‌که نشانه‌های پیامبری را با آنچه در تورات آمده بود موافق یافتند، کفر ورزیدند: ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ﴾^۳.

بر اساس این ماجرا نباید به هر استقبالی تکیه کرد و نباید به هر دانستنی‌ای امیدوار بود. آنان با این‌که پیامبر را مثل فرزندان‌شان می‌شناختند؛ با همان علم و آگاهی روحیه تسلیم

۱. همان.

۲. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۲۳.

۳. بقره (۲)، ۸۹.

نداشتند و در واقع نباید به هر اظهار عشق و انتظاری مفرور شد؛ زیرا ممکن است در مرحله عمل، حالت‌های انسان تغییر یابد. هستند کسانی که در دعای ندبه اشک می‌ریزند و اظهار انتظار می‌کنند؛ ولی از درآمدهای خود سهم امام زمان علیه السلام را نمی‌دهند. اهل کوفه هزاران نامه برای دعوت و یاری امام حسین علیه السلام نوشتند؛ اما ایشان را در کربلا تنها گذاشتند.

حتی درباره توحید نیز چنین است. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾؛ «همین که افراد در دریا، کشتی خود را در ورطهٔ هلاک می‌بینند، خدا را با اخلاص می‌خوانند؛ ولی همین که به ساحل رسیدند همه چیز را فراموش می‌کنند.

در مسائل خانوادگی نیز همین‌گونه است. قرآن می‌فرماید: همین که زن حامله می‌شود، زن و شوهر ضمن درخواست از پروردگارشان با خداوند عهد می‌کنند که اگر فرزند شایسته‌ای به ما بدهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود: ﴿لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾؛^۱ ولی همین که خداوند متعال به آنان فرزند صالحی داد، پدر و مادر، برای خداوند متعال شریکانی قرار می‌دهند: ﴿فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا﴾.^۲

۱. عنکبوت (۲۹)، ۶۵.

۲. اعراف (۷)، ۱۸۹.

۳. همان، ۱۹۰.

آری، انسان چه زود وعده‌های خود را با خداوند متعال فراموش می‌کند!

کوتاه سخن این که فقط ایمان اصیل زمینه ساز ظهور است و ایمان‌های موضعی، موسمی، گزینشی، منهای عمل، ریزشی، موجی و ایمان ضعیف، بدون منطق و کارآمد و سودمند نخواهد بود.

برای نمونه در غدیر خم، یاران پیامبر خدا ﷺ به امیر المؤمنین تبریک گفتند؛ اما پس از رحلت رسول خدا ﷺ حقش را ربودند؛ بعضی دیگر بیعت را شکستند و جنگ جمل را به راه انداختند.

برای آزمایش خود، هرکسی به خود مراجعه کند و بنگرد که در عمر خود چند بار قول داده و وفا نکرده، توبه کرده توبه شکسته، وعده داده و تخلف کرده است. همه این موارد دلیل بر عدم استقرار ایمان در فرد است.

در قرآن کریم در آیات ۷۵ تا ۷۹ سوره توبه می‌خوانیم شخصی از پیغمبر درخواست دعا کرد تا ثروتمند شود. حضرت فرمود: «مال اندکی که شکرش را ادا کنی بهتر از مال زیادی است که نتوانی شکرش را به جای آوری.» او قول داد که تمام حقوق واجب مال را بدهد؛ ولی همین که ثروتمند شد، اول از نماز جماعت فاصله گرفت؛ سپس از نماز جمعه و در مرحله بالاتر،

منکر زکات شد و به دلیل همین خلف وعده‌ها، نفاق عمیق برای همیشه در قلب او ماندگار شد و به طور طبیعی این روند می‌تواند نسبت به دیگران هم صورت بگیرد.

با این که قرآن مزد رسالت را «مَوَدَّتْ فِي الْقُرْبَى» می‌داند: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛^۱ ولی صدها میلیون مسلمان داریم که حتی نام اهل بیت را نمی‌دانند و از این نکته نیز بگذریم که چقدر از اهل بیت نسل و یاران آنان کشته، تبعید، اسیر و تحقیر شدند: «فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَ أُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ».^۲

آنچه گفته شد، گوشه‌ای از نمونه‌های قرآنی بود و بی‌تردید اگر بخواهیم از روایات و تاریخ بخش‌های دیگری را بیان کنیم، کتاب قطوری به نام «نامردی‌های انسان» نوشته خواهد شد!

۱. شوری (۴۲)، ۲۳.

۲. مفاتیح الجنان، بخش از دعای ندبه.

۹. چگونه امام زمان علیه السلام می تواند حکومت واحدی تشکیل

دهد و همه مکاتب و ادیان را گرد هم آورد؟

باید بدانیم در این مورد، اراده خداوند متعال مطرح است و نه قدرت بشری: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...»^۱؛ و خداوند متعال هر آنچه اراده کند، همان محقق می شود و اراده خدا بر هر چیز غالب است: «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ»^۲. برای دریافت پاسخ مناسب توجه به نکات ذیل لازم است.

نکته اول: در تاریخ نمونه‌هایی از حکومت مردان خداوند وجود داشته است؛ مثلاً حضرت سلیمان علیه السلام که حاکمی الهی بود و بر همه امور تسلط داشت؛ یا حضرت یوسف علیه السلام که توانست با تدبیری مناسب مدیریت منطقه‌ای را به دست بگیرد و یا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که همه بت‌ها را شکست، گروه‌ها و احزاب منحرف را در هم کوبید و حکومتی آمیخته از عرب و عجم، برده و آزاد، زن و مرد، سیاه و سفید تشکیل داد آن چنان که اکنون مناسک

۱. قصص (۲۸)، ۵

۲. یوسف (۱۲)، ۲۱.

حج، تابلویی از گرد آمدن لهجه‌ها، سلیقه‌ها و نژادها، از همه کشورهای دنیا در یک منطقه آن هم با یک لباس، یک شعار، یک برنامه، در زمان، مکان واحد می‌باشد.

در ایران نیز امام خمینی رحمته الله علیه فقیه عادل بود که حکومت را به دست گرفت، و پرونده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در هم پیچید. شکوفایی و رشد نسل جدید را به ارمغان آورد. در حالی که طاغوتیان و جنایتکاران یا فرار کردند و یا اعدام شدند و در مقابل مستضعفین حکومت را به دست گرفتند. او توانست با انقلاب اسلامی ایران قوانین باطل را لغو کند و همه احزاب و سلیقه‌های مختلف در یک کشور را در یک خط و دور محور جمهوری اسلامی قرار دهد.

اگر ما امام خمینی را نمی‌دیدیم، برای معنای این آیه دنبال یک مصداق می‌گشتیم که مگر می‌شود کسی از احدی جز پروردگار نترسد: ﴿وَلَا يُخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾^۱ بر فرض ما اگر نمونه‌ای هم نداشته باشیم، به وعده‌های الهی ایمان داریم که خداوند متعال فرموده است: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾^۲ یعنی ما پیامبران و مؤمنان را در همین دنیا یاری می‌دهیم. در قرآن نمونه‌هایی از این دست فراوان است از جمله آن‌جا که خداوند فرموده است: «حزب خدا غالب است»؛ ﴿فَإِنَّ

۱. احزاب (۳۳)، ۳۹.

۲. غافر (۴۰)، ۵۱.

حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِيُونَ»؛^۱ «لشکر ما یاری شده هستند»؛ ﴿إِنَّهُمْ هُمُ الْمُتَّصِرُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ﴾؛^۲ «ما حکومت را به مؤمنین خواهیم داد»؛ ﴿لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾؛^۳ «مکتب اسلام را بر همهٔ مکتبها غالب خواهیم کرد»؛ ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾.^۴

نکته دوم: وقتی بر اساس روایات قطعی قرار است که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر امام زمان علیه السلام نماز بخواند؛ می‌توان پیش بینی کرد که مسیحیت جهان نیز به پیروی از حضرت مسیح در خط اسلام قرار می‌گیرند.

نکته سوم: خستگی مردم از جنایتکاران، شکست همهٔ وعده‌ها و گسترش فساد در جهان، به قدری است که در روایات می‌خوانیم که افرادی بر سر قبر مردگان می‌آیند و می‌گویند: خوشا به حال شما که رفتید و این زندگی ما را ندیدید! خستگی مردم آنان را آماده پذیرفتن حق می‌کند؛ همان‌گونه که خستگی مردم از جنایتهای شاه، آن‌ها را به سمت امام خمینی کشانید.

نکته چهارم: بسیاری از فرهیختگان بشری، تخصص خود را در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می‌دهند و بازوی اجرایی ایشان می‌شوند؛ چنان‌که ما در زمان خود دیدیم خلبانانی که در زمان شاه در آمریکا

۱. مائده (۵)، ۵۶.

۲. صافات (۳۷)، ۱۷۲ و ۱۷۳.

۳. نور (۲۴)، ۵۵.

۴. توبه (۹)، ۳۳.

تحصیل کردند و خلبان شدند تا اهداف شاه و آمریکا را تأمین کنند؛ اما با انقلاب اسلامی خدمت امام آمدند؛ دست امام را بوسیدند و تخصص خود را در خدمت امام راحل عظیم الشان گذاشتند.

نکته پنجم: رمز پیروزی اسلام هدایت و حقانیت است، نه اسلحه و کودتا: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ﴾^۱.

انسان به طور فطری دین حق را دوست دارد؛ آن چنان که اگر اسلام ناب به مردم عرضه شود، گروه گروه به آن می پیوندند؛ همان گونه که در صدر اسلام اخلاق، رفتار و منطق پیامبر باعث شد تا مردم دسته به دسته به دین اسلام ملحق شوند: ﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾^۲.

امام رضا علیه السلام فرمود: «اگر مردم زیبایی کلام ما را بشناسند، حتماً از ما پیروی می کنند؛ إِنَّ النَّاسَ لَوْ عَرَفُوا مَحَاسِنَ كَلِمَاتِنَا لَاتَّبَعُونَا.»^۳
نکته ششم: حذف خرافات و جلوه کردن حق از جمله موارد گرایش مردم به امام زمان علیه السلام است. وقتی خرافات و بدعت‌ها در اسلام برطرف شد، حقیقت اسلام چنان جاذبه‌ای خواهد داشت که مردم را دگرگون خواهد کرد.

نکته هفتم: رعب و ترس نیز در این باره نقش مهمی دارد؛ همان گونه که بر اساس روایات، امام از پدر مهربان تر است:

۱. توبه (۹)، ۳۳.

۲. نصر (۱۱۰)، ۲.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۷.

«أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ»؛^۱ نسبت به جنایتکاران نیز قهار است: «أَشْدَاءُ عَلَيَّ الْكُفَّارَ» و همه جنایتکاران به خاطر جنایاتشان از نظام مهدوی به وحشت می‌افتند: «وَ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ.»

همان‌گونه که درباره پیامبر اسلام، این وحشت در دل منحرفین ایجاد شد: ﴿وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ﴾.^۲

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۸.
۲. احزاب (۳۳)، ۲۶.

۱۰. امام زمان علیه السلام چه زمانی ظهور می کند؟

هیچ کس نه می تواند و نه حق دارد برای ظهور امام زمان علیه السلام وقت تعیین کند؛ چون زمان ظهور از علوم غیبی است که فقط در اختیار خداوند متعال است. در روایات می خوانیم اگر کسی برای ظهور زمانی را تعیین کرد او را تکذیب کنید: «كُذِّبَ الْوَقَّاتُونَ»^۱.

۱. الغیبه، ص ۴۲۶.

۱.۱ آیا ممکن است امام زمان علیه السلام در عصر غیبت دیده شود؟

دیدن امام زمان علیه السلام محال نیست و توفیق زیارت ایشان امتیاز بالایی است. در دعاها نیز از خداوند متعال می‌خواهیم که این دیدار را نصیبمان فرماید: «اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ.» همچنین بنا بر منابع اسلامی وقتی مردم امام زمان علیه السلام را در زمان ظهور ببینند، خواهند گفت: «ما ایشان را چند بار دیده بودیم!» از سویی دیگر بخواهیم مسأله را از دیدگاه قرآن بررسی کنیم، ماجرای حضرت مهدی علیه السلام شبیه داستان حضرت یوسف علیه السلام است: «فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَمْ يَكُنُوا لَهُ مُنْكَرُونَ» به آن معنا که یوسف برادرانی را که ده‌ها سال او را ندیده بودند، شناخت؛ ولی آن‌ها او را نشناختند. آنچه در این میان مهم است، توجه به دو مسأله است.

اول آن که ما مأمور نیستیم برای دیدن امام زمان علیه السلام به منطقه، مسجد یا واسطه‌ای رجوع کنیم. در آیات و روایات در این مورد سفارشی نشده است؛ ولی مکلفیم در زمان غیبت به مجتهد جامع الشرائط (فقیه عادل بی‌هوس) که در حلال و حرام الهی

صاحب نظر است، مراجعه کنیم و کلام او را برای خود حجت بدانیم و به آن عمل کنیم.

دوم این که نباید فریب افراد شیاد را بخوریم که با ادعای ملاقات با امام عصر عجله افرادی را دور خود جمع کرده، از این راه نان می‌خورند و باید به هوش باشیم که تعداد مدعیان دروغین کم نیست.

ملاقات با امام، ارواحنا فدا، در مواردی نیز انجام شده است؛ اما به گونه‌ای بوده که افراد، بعداً متوجه شدند که آن شخص حضرت مهدی عجله بوده است. همچنین این ملاقات‌ها با اراده حضرت صورت گرفته است، نه با اراده ملاقات کننده.

۱۲. وظیفه منتظران در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

در عصر غیبت ما چند وظیفه داریم:

۱. گام اول: معرفت

در حدیث می‌خوانیم: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. یعنی از فرهنگ و تمدن هیچ بهره‌ای نخواهد داشت. شناخت مثل سایر کمالات از جمله علم، ایمان و تقوا درجاتی دارد و انسان باید روز به روز شناخت و معرفت خود را بالا ببرد. درباره امام شناسی، بهترین منبع برای معرفی سیمای امام علیه السلام، زیارت جامعه کبیره است که از امام هادی علیه السلام نقل شده است. هیچ کس مثل خود امام، امام را معرفی نمی‌کند. امام در یک عبارت از صدها جمله که در زیارت جامعه است، چنین می‌گوید: ﴿بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ﴾ یعنی خداوند متعال به واسطه شما، آسمان و کرات آسمانی را نگاه داشته تا

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ۴۱۰.

بر زمین فرود نیابند. این جمله یعنی چه؟ انسان وقتی گرفتار چُرت و خواب‌آلودگی شد، حتی نمی‌تواند پلک خود را نگه دارد؛ اما امام علیه السلام آسمان‌ها را نگاه می‌دارد. رسیدن به این درجه از معرفت بسیار مهم است.

برای مثال گاهی می‌شنویم که مثلاً انگشتر عقیق انسان را حفظ می‌کند یا فلان انگشتر دارای فلان اثر است. گاهی می‌بینیم صاحبان کامیون‌های بزرگ، با زنجیری که از کامیون آویزان می‌کنند، جلوی انباشته شدن الکتریسیته ساکن را می‌گیرند؛ زیرا این انباشته شدن الکتریسته برای ماشین خطرناک است. همچنین بالای ساختمان‌های بلند، نصب قطعه‌الماس می‌تواند جلوی خطر صاعقه و رعد و برق را بگیرد و یا رابطه انسان با جهان، مثل رابطه چشم و مژه است که موی مژه چشم را حفظ می‌کند؛ البته این زنجیر، الماس و مژه، جمادات ساده‌ای هستند که با اولیای خدا قابل مقایسه نیستند؛ ولی با معذرت از اولیای خدا و تنها برای تقریب به ذهن از آن‌ها استفاده کردیم.

امامان ما و اولیای خدا نیز واسطه خدا و انسان برای فیض مادی و معنوی هستند. فیض مادی مانند «بِکُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ»^۱ و فیض معنوی مانند «بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا»^۲ فیض دنیوی

۱. مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه کبیره.

۲. همان.

مثل «بِمُؤَالَاتِكُمْ أَصْلَحَ مَا فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا»^۱ و فیض اخروی نظیر «شُهَدَاءِ دَارِ الْفَنَاءِ وَ شُفَعَاءِ دَارِ الْبَقَا»^۲. این جملات در قرآن ریشه دارد؛ زیرا قرآن نیز در این باره می‌فرماید: ما شما را امت وسط قرار دادیم تا شاهد بر اعمال مردم باشید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾^۳؛ اگرچه مفسرین در معنای امت وسط سخنان زیادی دارند؛ معقول‌ترین سخن، روایات اهل بیت: است که می‌فرماید: امت وسط، همه مردم نیستند؛ بلکه مراد از امت وسط پیامبر و اهل بیت او هستند و غیر از این نمی‌تواند باشد؛ زیرا قرآن می‌فرماید: خداوند شما را امت وسط قرار داد تا بر امور مردم شاهد باشید و از آن‌جا که شاهد دو چیز لازم دارد: علم و عدالت؛ پس مردم که به کار یکدیگر علم ندارند. (نه من از کار شما آگاهم تا شهادت بدهم و نه شما بر کار من). بنابر این، باید مراد از امت وسط کسانی باشند که بر تمام کارهای انسان، آگاه باشند و در مرحله‌ای از عدالت باشند تا گواهی آن‌ها معتبر باشد و این، جز افراد خاصی از امت نیست. جان کلام این‌که افراد امت، نه آگاهند، و نه عادل. پس مراد از امت وسط افراد خاصی است که کارهای ما بر آن‌ها عرضه می‌شود و آن‌ها از کار ما آگاهند و گواهی آنان بر کار ما سند و

۱. همان.

۲. همان.

۳. بقره (۲)، ۱۴۳.

حجت است.

۲. گام دوم: مودت

البته مودت چیزی بالاتر از محبت است. به محبت عمیقی که انسان را به پیروی وا دارد، «مودت» می‌گویند. مودت اهل بیت: مزد رسالت آن‌ها است: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^۱. مزد رسالت و تشکر از صاحب نعمت، واجب است و زمان بردار نیست؛ یعنی در هر مکان و زمانی انسان باید از زحمات کسانی که بر او حق دارند، تشکر کند. اگر در صدر اسلام، مودت و محبت به اهل بیت به عنوان مزد رسالت واجب بوده است؛ الآن هم باید این مزد پرداخته شود؛ زیرا پیامبر بر گردن ما حق بسیاری دارد پس باید الآن نیز از اهل بیت پیامبر کسی باشد تا ما به آن مودت داشته باشیم که او جز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیست.

بر اساس نصّ روایات، عترت پیامبر صلی الله علیه و آله از قرآن جدا نیست؛ زیرا پیامبر اسلام بارها فرمود: «قرآن و اهل بیت هرگز از هم جدا نمی‌شوند.» پس اکنون که قرآن هست باید اهل بیتی هم باشد و اگر امام زمان نباشد بیش از ده قرن بین قرآن و اهل بیت فاصله می‌افتد، در حالی که یک لحظه هم نباید بین آن‌ها

۱. شوری (۴۲)، ۲۳.

جدایی باشد: «لَنْ يُفْتَرَقَا»؛ هرگز این دو (قرآن و عترت) از یکدیگر جدا نیستند.

به عبارت دیگر، وقتی حجت بر مردم تمام است که هم رهبر معصوم و هم قرآن در بین مردم وجود داشته باشند.

۳. گام سوم: اطاعت

معرفت و مودت زمینه اطاعت است. در این باره به یک مثال توجه کنید. اگر شما به کودک خود بگویید: «من تو را دوست دارم.»؛ او تقاضای خرید شیرینی یا لباسی از شما داشته باشد و شما بگویید «دوستت دارم ولی خرید ممنوع» آیا کودکان این نوع دوستی را قبول می‌کند؟ مسلماً نه. حتی کودک هم دوستی بدون عمل راه، از پدر و مادرش قبول نمی‌کند.

محبت باید کامل باشد و انسان نباید محبت‌های دیگر را در کنار محبت خدا و اولیای او قرار دهد.

دختری از من سؤال کرد: «من خدا را دوست دارم، اهل بیت و نماز را هم دوست دارم؛ اما برای این که لاک ناخن را دوست دارم، نماز نمی‌خوانم؛ چون نمی‌توانم وضو بگیرم پس با همان ناخن‌های لاک زده نماز می‌خوانم و در برخی مواقع هم نمازم را نمی‌خوانم.» این دختر علاقه به لاک را هم ردیف و برابر با علاقه به خدا، رسول و نماز گذاشته بود. به او گفتم: «اگر همسرت یک

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۹۸.

شب به خانه نیاید و بگوید که شما را دوست دارد، ولی بستنی را هم دوست دارد و چون دیشب یکی از رفقا او را برای صرف بستنی به خانه خود دعوت کرده و او نتوانسته به منزل بیاید؛ شما چقدر ناراحت می‌شوید؟ اگر علاقه به زیبایی ظاهری یک ناخن را بر علاقه به خالق همه زیبایی‌ها برتری بدهیم، توهین به خداست. اگر علاقه به گناه را بر علاقه به اهل بیت ترجیح بدهیم، توهین به اهل بیت است. همان‌طور که اگر شوهرتان علاقه به بستنی را بر علاقه به شما ترجیح دهد، توهین به شماست.»

بارها پیامبر ﷺ فرمود: «قرآن و اهل بیت هرگز از هم جدا نیستند و شما اگر به هر دو تمسک کنید، گمراه نمی‌شوید.» «ان تمسک بهما لن تضلوا»!

جمله «لن تضلوا» به معنای آن است که هرگز گمراه نمی‌شوید.

هر مسلمانی هر روز با خواندن سوره حمد، حداقل ده بار از خدا می‌خواهد که از گمراهان نباشد: «وَلَا الضَّالِّينَ»؛ یعنی از «لَنْ تَضِلُّوا»ها نباشد و این، یعنی از قرآن و اهل بیت جدا نباشد. پس ما در هر نماز از خدا می‌خواهیم جزء گمراهان و از کسانی نباشیم که بین قرآن و عترت جدایی انداخته‌اند و فقط به یکی از آن‌ها باور دارند.

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود، این است که بر اساس جملاتی از زیارت جامعه کبیره مانند «مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ» تمسک به اهل بیت تمسک به خداست^۱ «وَمَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» و تمسک به خدا، همانا راه مستقیم است؛ پس این که در نماز می‌گوییم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ «خدایا! ما را به راه راست هدایت کن!»؛ راه مستقیم، تمسک به خداست و تمسک به خدا از راه تمسک به اهل بیت صورت می‌پذیرد.

یک بار دیگر به این سطر توجه کنید: توسل به اهل بیت توسل به خداست و ما که در نماز می‌گوییم «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ یعنی ما را از طریق تمسک به اولیای خودت هدایت کن!

۱. مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه کبیره.

۱۳. آیا توصیه به رفتن به مسجد جمکران سند معتبری

دارد؟

اولاً، در کارهای مستحب به بررسی سندی روایت نیاز نیست؛ زیرا در روایات می‌خوانیم که اگر به کسی خبر کار خیری رسید و او به امید تقرب و نزدیک شدن به خداوند آن را انجام داد، پاداشی از آن کار خیر به او می‌رسد، اگرچه آن خبر واقعیت نداشته باشد. به این روایات، روایات «من بلغ» می‌گویند؛ مثلاً اگر شخصی را در راه دیدیم و خیال کردیم که او شخص خوبی است و به او سلام کردیم و احترام گذاشتیم؛ ولی بعد معلوم شد که شخص خوبی نبوده است؛ بی‌تردید به پاداش سلام خود رسیده‌ایم.

ثانیاً، رفتار و نیت مردم به خودی خود ارزش‌دهنده است. زمین جمکران، منطقه‌ای است که میلیون‌ها انسان در آنجا به یاد حضرت مهدی علیه السلام هستند و در این مسجد به مناجات، توبه، بی‌توبه، ذکر و نماز مشغولند. این عبادت‌ها در هر زمینی که

انجام شود مقدس خواهد شد.

افزون بر این از بزرگ‌ترین مراجع تاریخ، حضرت آیت الله العظمی بروجردی که استاد بسیاری از مراجع بودند، پرسیدند که آیا ما در مسجد جمکران، نماز را به قصد «ورود»^۱ یا به قصد «رجا و امید»^۲ بخوانیم؟

ایشان پس از کمی درنگ فرمود: «به قصد «ورود» بخوانید.» گوینده این حرف حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در رمضان سال ۱۳۹۱ شمسی در مشهد مقدس می‌باشد.

آیت الله صافی باز هم در این باره از آیت الله العظمی بروجردی نقل کردند که ایشان به روحانیون می‌فرمود: «منبری نباشد که نام حضرت مهدی علیه السلام در آن برده نشود.»

۱. ورود: (معنای ورود آن است که این نماز از امام معصوم علیه السلام نقل شده باشد)
۲. رجا و امید: (یعنی به امید رسیدن به ثواب، نه به اعتبار این که از سوی امام نقل شده است).

۱۴. معنای انتظار چیست؟

انتظار دو معنا دارد: مثبت و منفی.

معنای مثبت انتظار آن است که نظام‌های بشری را نپذیریم. چون نظام‌ها، سران و قوانین آن‌ها برخاسته از هوس، با تکیه بر ظلم، قوانین سست و ناقص می‌باشد.

انتظار مثبت، یعنی منتظر رهبری بی‌نقص و کامل بودن؛ منتظر قانون صد در صد سالم و جامع بودن؛ منتظر نظام عدل بودن؛ منتظر اخلاص، رشد، تکامل، ترقی، بصیرت، احقاق حق، محو باطل، و... بودن.

اما انتظار منفی یعنی در برابر هر ضعف، عیب و ستمی سکوت کنیم تا خود حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند و آن را اصلاح نماید. انتظار به این معنا، در حقیقت احتضار است، نه انتظار؛ وارتنگی است، نه وارسنگی؛ بی‌خیالی است، نه غیرت و تن پروری است، نه همت. مثلاً کسی که در شب منتظر طلوع خورشید است، در تاریکی نمی‌نشیند؛ بلکه ضمن انتظار، برای روشن کردن چراغ

هم فعالیت می‌کند.

کسی که در زمستان منتظر بهار است، بی‌حرکت در سرما نمی‌نشیند؛ بلکه برای گرمای اتاق تلاش می‌کند و در ضمن آن در انتظار بهار و تابستان است؛ بنابراین معنای انتظار دست روی دست گذاشتن، وارفتگی، سکوت و ظلم‌پذیری نیست.

۱۵. آیا تطبیق هایی که در عرصه مهدویت انجام می شود، صحیح است؟

در بعضی روایات نام افرادی برده می شود که قبل از ظهور دست به کارهایی می زنند، مثل سید خراسانی، دجال، سفیانی و... در این میان برخی کارهای آنان را با کارهای زمان خود، آن افراد را با افراد زمان خود و آن مکان ها را با مکان هایی که خود می پسندند، تطبیق می دهند. این تطبیق ها نیز جایز نیست؛ زیرا این انطباق ها روزنه هایی برای سوءاستفاده صاحبان سلیقه و بدعت و نیز افراد جاهل و قاصر یا رندان شیاد خواهد شد. در این موارد تنها راه نجات آن است که تمام این تطبیق به وسیله عالمان عادل، بی هوس و بصیر شناسایی شود و افراد آگاه اجازه ندهند موجی از بشارت ها یا تهدیدها جامعه را به اضطراب بکشاند.

خدا در این باره در سوره نساء آیه ۸۳ می فرماید: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْحَوْفِ أَدَاعَوْا بِهِ وَكَوَرَدُوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ

أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا؛ «هنگامی که خبری و [شایعه‌ای] از ایمنی یا ترس [پیروزی یا شکست] به آنان [منافقان] برسد، آن را فاش ساخته و پخش می‌کنند، در حالی که اگر آن را [پیش از نشر] به پیامبر و اولیای امور خود ارجاع دهند، قطعاً آنان که اهل درک و فهم و استنباط هستند، حقیقت آن را در می‌یابند و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، به‌جز اندکی، از شیطان پیروی می‌کردید.»

در این آیه خداوند متعال به افرادی که با انگیزه‌های خاصی، مانند انتقام، ضربه زدن، طمع مادی، خودنمایی، اظهار اطلاعات، مرید بازی، چپاول اموال مردم، یا ایجاد تفرقه و امثال آن خبره‌هایی ناخوشایند در جبهه یا غیر جبهه پخش می‌کنند؛ به شدت انتقاد کرده و می‌فرماید: امت اسلامی باید دارای سازمان و تشکیلاتی باشد تا اخبار مختلف در یک مرکز ویژه گردآوری شود و سپس این اخبار به وسیلهٔ اسلام شناسانی که اهل استنباط هستند، ارزیابی شده و صحیح یا باطل بودن آن روشن گردد؛ سپس مصلحت انتشار یا کتمان آن شناسایی شود و پس از این تمهیدات، همهٔ اخبار یا برخی از آن‌ها به اطلاع جامعه برسد.

هرچند این آیه در مورد اخبار جبهه و جنگ است؛ رجوع به کارشناس و اهل استنباط که در این آیه مطرح شده اصلی

عقلایی برای همه کارهای مشکوک و شبهه‌دار است. اگر ما در مورد امام زمان علیه السلام و مسائل قبل و بعد از ظهور روایت مشکوکی شنیدیم، باید آن را به فقیهان بصیر، ارجاع دهیم تا این روایات ارزیابی و بررسی و عدم تضاد آن با قرآن روشن شود و در معنای آن دقت گردد و پس از گذران این مراحل به آن اعتقاد پیدا کنیم. با شعر، خواب، تخیلات، حدسیات، قیاس، استحسان و این‌گونه موارد نمی‌توان به چیزی معتقد شد. ما در اعتقادات دینی جز به دلایل عقلی، آیات قرآن و روایات محکم نمی‌توانیم به چیزی دیگر تکیه کنیم؛ بنابراین حق تطبیق قطعی روایات با پیش فرض‌های خود را نداریم. و اگر جز این عمل کنیم، به هشدارهای بسیار سخت قرآن گرفتار می‌شویم.

قرآن کریم در آیه ۷۹ سوره بقره در یک آیه سه مرتبه می‌فرماید: ﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾؛ پس، وای بر کسانی که مطالبی را با دست خود می‌نویسند؛ سپس می‌گویند: «این از طرف خداست»، تا به آن بهای اندکی بستانند! پس وای بر آن‌ها از آنچه دست‌هایشان نوشت و وای بر آن‌ها از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند! «تنها آیه‌ای که در آن سه بار کلمه «وَيْلٌ» به کار رفته، همین

آیه است که خطر علما و دانشمندان دنیاپرست را مطرح می‌کند.

برخی از پیام‌های این آیه عبارتند از:

۱. دین‌سازی، در طول تاریخ جریانی خطرناک بوده است:
«يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ.»

۲. بدعت، دین‌سازی، دین‌فروشی و استحمار مردم، از جمله خطراتی است که از ناحیه دانشمندان فاسد، جامعه را تهدید می‌کند: «يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ.»

۳. مواظب قلم‌ها، کتاب‌ها، مقالات زهرآلود، تحریف‌گر و بدعت‌گزار باشید و به هر عالمی اعتماد نکنید: «يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ.»

۴. مردم به صورت فطری به مذهب علاقه دارند؛ بنابراین بسیاری از شیادان، سخنان خود را به نام دین و مذهب به مردم ارائه می‌کنند: «يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ.»

۵. یکی از انگیزه‌های بدعت و افتراء، رسیدن به متاع ناچیز دنیا است: «ثُمَّ نَأْتِيهِمْ»

۶. از بدترین درآمدها، درآمد دین‌فروشی است: «وَيُلْهُم مِّمَّا يَكْسِبُونَ.»

۷. شدیدترین عذاب‌ها متوجه کسانی است که به تفکر و اعتقاد مردم خیانت می‌کنند. تکرار کلمه «وَيْلٌ» گویای این هشدار است.

۸. گناه هر انحرافی که در طول تاریخ در اثر بدعتی به وجود آید، به گردن بدعت‌گزار است: «یَکْسِبُونَ» دلالت بر استمرار دارد و گویای آن است که به زمان خاصی محدود نیست.

۱۶. آیا امام زمان علیه السلام همسر و فرزند دارد؟

عقل به ما می‌گوید دنبال مسائلی برویم که چهار شرط داشته باشد:

۱. ضروری و واجب باشد؛

۲. مستحب و مفید باشد؛

۳. مشکل فردی در آن حل شود؛

۴. جامعه‌ای را از خطر و انحراف نجات دهد.

اطلاعات جزئی راجع به مسائل شخصی امام زمان و هیچ امام دیگر، نه واجب و مستحب است و نه مشکل فرد و جامعه‌ای را حل می‌کند. وقتی امت ما، به ویژه نسل جوان از مهم‌ترین ضروریات غافل هستند؛ آیا صلاح است که ما وقت خود را برای این‌گونه سؤالات صرف کنیم؟!

قرآن کریم در سوره کهف از جوانمردانی یاد می‌کند که در اقلیت بودند و چون احساس کردند که در محیط فاسد نمی‌توانند مکتب خودشان را حفظ کنند؛ از رفاه و لذت‌های زندگی شهری

صرف نظر کردند. و در بیابان‌ها غاری یافته، به آن‌جا هجرت نمودند تا دین خود را حفظ کنند.

این نسخه قرآنی، نسخه شفابخش تمام مسلمانانی است که در سرزمین‌های کفر در اقلیت هستند و تصمیم دارند تا دین خود را حفظ کنند و اگر لازم باشد از منطقه‌ای به منطقه‌ای هجرت نموده، هم‌فکران خود را شناسایی کنند؛ از درآمدها و رفاه‌هایی بگذرند؛ ولی تحت تأثیر آن‌ها قرار نگیرند. قرآن از کسانی که به جای این نسخه شفابخش در فکر آمار و تعداد آن افراد هستند و با هم گفت‌وگو می‌کنند که آیا آن جوانمردان، سه نفر، پنج نفر یا هفت نفر بودند، به شدت انتقاد می‌کند.^۱

دغدغه ما باید این مسأله باشد که چه کنیم تا سرباز مهدی علیه السلام شویم، نه آن‌که حضرت مهدی علیه السلام خانواده دارد یا ندارد! لابد پس از این سؤال، سؤال‌های دیگری از این نوع هم پیش می‌آید؛ مثلاً این‌که آیا فرزندان ایشان پسرند یا دختر؛ داماد و عروسشان چه کسانی هستند؛ غذایشان چیست؟... درست مثل وقتی که حضرت علی علیه السلام فرمودند: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي؛ از من پرسید تا مرا از دست نداده‌اید»؛ در این میان کسی پرسید: «تعداد موهای سر من چقدر است؟»

خداوند متعال بعضی از سؤال‌ها را به گونه‌ای جواب می‌دهد

۱. کف (۲۷)، ۲۲.

که سؤال کننده از سؤال خود شرمند شود؛ مثلاً از پیغمبر می پرسیدند: چه چیزهایی را انفاق کنیم: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ» چه چیز یعنی، لباس، غذا، میوه، گوشت یا نان و... اما خداوند به جای این که بفرماید چه چیزی را صدقه بدهید، جواب دیگری می دهد و می فرماید: «هر چه می خواهید، بدهید؛ ولی به پدر و مادر بدهید.» و به جای «چه چیز» به «چه کس» توجه می کند.

ما از این شیوه قرآنی استفاده می کنیم که لازم نیست هر سؤالی را جواب بدهیم؛ ولی لازم است جواب ما ارشادی باشد؛ یعنی سؤال کننده به سمت و سوی حق هدایت شود. خوراک، پوشاک یا مسکن مسأله اصلی نیست؛ سؤال اصلی، نوع صدقه نیست؛ بلکه صدقه گیرنده مورد توجه است.

۱۷. توجه امام زمان علیه السلام به دوست داران خود چگونه است؟

امام زمان علیه السلام واسطه فیض پروردگار، پدر امت و از پدر هم مهربان تر است. او ما را فراموش نمی کند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ»^۱

در رابطه با توجه امام زمان علیه السلام به دو نمونه کلی و جزئی اشاره می کنیم:

نمونه اول: در غدیر خم که پیامبر صلی الله علیه و آله، علی بن ابیطالب را به فرمان خدا به امامت منصوب کرد، برخی تعداد حاضران در این مراسم را بالای صد هزار نفر و برخی هم زیر صد هزار نفر گفته اند. اگر میانگین صد هزار نفر را در نظر بگیریم و فرض کنیم از هر ده نفر یک نفر به مکه آمده باشد؛ بنابراین جمعیت مسلمانان در آن زمان، حداقل یک میلیون نفر بوده است. از این یک میلیون نفر، تنها چهار نفر طرفدار علی بن ابیطالب باقی ماندند و بقیه راه دیگری رفتند. پس، به ازای هر یک نفر که رهبری امیرالمؤمنین علیه السلام را پذیرفت، ۲۵۰ هزار نفر رهبری دیگری

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

را پذیرفتند؛ ولی امروز در برابر هر یک نفر شیعه، چهار نفر اهل سنت وجود دارد یعنی یک دویست و پنجاه هزارم به یک چهارم تبدیل شده؛ با وجود این که در طول تاریخ، همیشه جمعیت‌ها، حکومت‌ها، ثروت‌ها و تبلیغات در دست دیگران بوده است. حال باید دید چه عاملی می‌تواند جمعیت مسلمانان را از یک دویست و پنجاه هزارم به یک چهارم برساند. در نماز، روزه، حج، زکات، قرآن و امثال آن، اهل سنت از ما جلوترند؛ پس این رشد شیعه هیچ راز و تحلیلی جز نفس گرم ولی خدا ندارد و این نقش جلسه‌های مناجات، عزاداری، جشن و سوگواری است که شیعه در سایه آن‌ها این‌گونه رشد کرده است و از مهم‌ترین عوامل این رشد، توجه حضرت ولی عصر علیه السلام به شیعیان است.

نمونه دوم: شب نیمه شعبانی در مدینه بودم. محل مسکونی ما چند طبقه بود که کاروان‌های متعددی در آن ساکن بودند. به سالن غذاخوری رفتم؛ در هنگام غذا خوردن با خودم گفتم امشب شب نیمه شعبان است، چه خوب است کاری برای امام زمان علیه السلام بکنم. به فکر افتادم که بروم به طبقه همکف که مغازه‌های زیادی داشت و از آن‌جا لباس و هدایایی خریداری کنم، نزد آشپزها ببرم و به مناسبت نیمه شعبان به آن‌ها عیدی بدهم؛ ولی متوجه شدم که پولم تمام شده است. کمی ناراحت و از خرید هدایا منصرف شدم. دقایقی گذشت، شخصی آمد، کنار

من نشست و گفتم: «اگر آشپزها از شما تشکر کردند، شما چیزی نگویید.» از او پرسیدم: «دلیل تشکر آشپزها از من چیست؟» گفتم: «من در سالن مشغول غذا خوردن بودم، که ناگهان به دلم الهام شد، بروم مغازه‌های هم‌کف پیراهن و هدایایی بخرم و به آشپزها هدیه کنم و بگویم که این هدایا را قرائتی به شما داده است؛ زیرا اگر بدانند هدایا از توست، چون مشهور هستی، بیشتر خوشحال می‌شوند تا بدانند که از من است. من به نیابت از شما این کار را کردم؛ پس ممکن است آن‌ها بیایند و از شما تشکر کنند.» من برای حضرت مهدی نیتی کردم و زمانی که معلوم شد پولی در جیب ندارم درست همان زمان به قلب دیگری القا شد و آنچه من می‌خواستم انجام بدهم، او انجام داد. با خود گفتم: «یا حجت بن الحسن! من نه حرفی زدم، نه قدمی برداشتم، نه پولی هزینه کردم؛ اما تو این قدر بزرگواری که حتی این مسأله جزئی را به بهترین شکل بدون هیچ دخالتی از ناحیه من، انجام دادی.»

برای هر کسی در عمرش اتفاقاتی از این قبیل می‌افتد و انسان متوجه می‌شود که دست غیبی در کار است که ریز مسائل را می‌داند و به آن توجه دارد و از هر جهت حمایت می‌کند.

۱۸. معنای این حدیث که می‌فرماید: «لَوْ لَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»^۱ اگر حجت خدا نباشد، هر آینه زمین اهلش را فرو می‌برد؛ چیست؟

قرآن، هدف هستی را بهره‌گیری انسان از هستی و طبیعت و هدف آفرینش انسان را عبادت و بندگی او قرار داده است. نمونه و الگوی بندگی و بندگان را که درباره آنان می‌فرماید: «نَعْمَ الْعَبْدُ»^۲ یا «أَنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ»^۳ اولیا قرار داده است. عبادت ما که نه در آن حضور قلب و نه بسیاری از شرایط دیگر عبادت وجود دارد؛ دارای آن ارزش نیست که هستی برای ما آفریده شود؛ بنابر این اگر جلوه بندگی خدا و عبادت حقیقی نباشد، انسان خلق نمی‌شد و اگر انسان خلق نشود، هستی خلق نمی‌شد. این درست مثل آن است که بگوییم اگر تحصیل و تربیت شاگرد نباشد، نظام آموزش و پرورش و وزارت علوم متلاشی

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

۲. ص (۳۸)، ۳۰.

۳. تحریم (۶۶)، ۱۰.

می‌شود؛ چون هدف از این ساختمان‌سازی‌ها ادارات، کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها، مجلات، کتاب‌ها، تربیت استادها و تخصص‌ها، همه و همه برای تحصیلات نسل نو هست که اگر این نسل نو و تربیت آنان نباشد، همه آن‌ها لغو خواهد شد.

آری! در اسکناس‌ها نخ‌نخی است که اگر آن نخ نباشد، ارزش اسکناس سقوط می‌کند.

با عنایت به مطالب بیان شده می‌توان گفت که جهان برای انسان خلق شده است؛ اما انسان‌هایی که دارای وزن و اعتباری ویژه نزد خالق می‌باشند و این‌ها حجت‌های خداوند هستند. بدون این حجت‌ها گویی زمین موجودیت بی‌محتوایی می‌یابد. به بیانی دیگر این حجت‌های الهی بهانه‌تداوم زمینند.

۱۹. آیا دعا کردن، صدقه دادن و هدایای مادی و معنوی

برای امامان به خصوص حضرت مهدی عج اثری دارد؟

آری؛ دعا برای دیگری مؤثر است. قرآن هم به فرزندان سفارش می‌کند که برای والدین دعا کنید: ﴿وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾^۱. امام پدر انسان است و رهبر الهی، پدر معنوی ماست. قرآن می‌فرماید: ﴿مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ﴾^۲؛ «حضرت ابراهیم پدر شماست»؛ و یا پیامبر فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^۳ به والدین هم سفارش شده که در حق فرزندان دعا کنند: ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي!﴾^۴ پس ما باید برای پدران و مادران خود دعا کنیم.

جالب توجه آن‌که در میان عبادات، نماز از ویژگی خاصی برخوردار است؛ زیرا در موارد متعددی از قرآن با آن‌که سخن از عبادات و کارهای خیر به میان می‌آید؛ اما نام نماز جداگانه برده

۱. اسراء (۱۷)، ۲۴.

۲. حج (۲۲)، ۷۸.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۶۱.

۴. ابراهیم (۱۴)، ۴۰.

شده است؛ مثلاً می‌فرماید: ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي﴾^۱ با این که نماز جزئی از مناسک الهی است خداوند درباره آن می‌فرماید: ﴿أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ﴾^۲ یعنی با وجود این که نماز جزئی از «فِعْلَ خَيْرَاتٍ» یا همان کارهای خوب است؛ ولی نام نماز جداگانه برده شده و این بر اهمیت و ویژگی خاص نماز دلالت می‌کند.

از سوی دیگر در میان ارکان نماز، سجده جایگاه ویژه‌ای دارد تا آن جا که خداوند متعال در آیه آخر سوره علق که خواندن آن، سجده واجب دارد، به پیامبرش می‌فرماید: «راه قرب تو به ما سجده است» و در میان سجده‌ها، امتیاز و ارزش سجده آخر بیشتر است. در آن حالت حساس سفارش شده است که برای رزق همسر خود دعا کنید و مستحب است که بگوییم: «وَأَرْزُقْنِي وَأَرْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ»^۳؛ بنابر این وقتی در این حالت حساس، آیا دعا برای رزق همسر سفارش شده است، دعا برای نجات نسل بشر از انواع ظلم، شرک، جهل و تفرقه به اندازه رزق همسر ارزش ندارد؟ این همه روایات که برای صلوات نقل شده به خاطر تأثیر دعاست. خداوند متعال در قرآن با کمال صراحت به همه مؤمنین خطاب می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ

۱. انعام (۶)، ۱۶۲.

۲. انبیاء (۲۱)، ۷۳.

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۵۱.

وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ
وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿۱﴾

بر این اساس، اگر صلوات ما برای پیامبر ﷺ بی اثر بود، این دستور با این صراحت صادر نمی‌شد. بر همین اساس دادن صدقه و سایر هدایای مادی و هدایای معنوی برای معصومین و از جمله امام عصر عجلتعالیه مؤثر است.

۲۰. منتظران ظهور امام زمان عجله چگونه می‌توانند او را

یاری کنند؟

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«وَاللَّهِ لِأَحَبُّ رِيَاكُمُ وَأَزْوَاجِكُمْ فَأَعِينُونِي عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَ
اعْلَمُوا أَنَّ وَلَا يَتَنَا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ.»^۱

بر اساس این روایت، رعایت پرهیزکاری و پارسایی، یاری رساندن به ائمه است.

در حدیثی داریم که با رفتار، گفتار و کردار خود زینت ما باشید و برای ما ننگ نباشید: «كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا.»^۲
در حدیث مفصلی به نقل از امام صادق علیه السلام خطاب به زید شحام می‌خوانیم که حضرت فرمود: «به هر کس از مردم که بینی از من پیروی کنند و به گفتار من عمل کنند، سلام مرا برسان، و من به شما سفارش کنم که نسبت به خدای عزوجل تقوا داشته باشید، در دین خود پارسا باشید، در راه خدا کوشش کنید و شما را

۱. کفای، ج ۸، ص ۲۱۲.

۲. امالی، ص ۴۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۸.

به راستگویی، امانت، طول دادن سجده و نیکی با همسایه سفارش می‌کنم؛ زیرا محمد ﷺ همین دستورات را آورده است. هر که به شما امانتی سپرد، آن را به او پس بدهید، چه نیک رفتار باشد، چه بدکردار؛ زیرا رسول خدا ﷺ دستور می‌داد که سوزن و نخ را نیز به صاحبش پس دهید، با فامیل خود پیوند داشته باشید، بر جنازه مرده‌هایشان حاضر شوید، بیمارانشان را عیادت کنید و حقوقشان را بپردازید؛ زیرا هر کس از شما که در دینش پارسا و راستگو باشد، امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقش با مردم خوب باشد؛ می‌گویند: او جعفری است و این مرا شاد می‌کند و از جانب او شاید در [دل] من آید و می‌گویند: این روش پسندیده جعفر [بن محمد] است.

در حدیث دیگری می‌خوانیم که شیعیان ما را با سه چیز امتحان کنید:

۱. مواظبت نسبت به نماز اول وقت؛

۲. حفظ اسرار در برابر دشمن؛

۳. موااسات با برادران دینی در اموال: «امْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتِهِمْ عَلَيْهَا وَ عِنْدَ اَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عِنْدَ عَدُوِّنَا وَ اِلَى اَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مَوَاسَاتِهِمْ لِاِخْوَانِهِمْ فِيهَا»^۱

یاری کردن امام زمان و سایر ائمه راه‌های مختلفی دارد. از جمله:

نام فرزندان خود را به نام آنان بگذاریم؛ سخنان آنان را فرا

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲.

گیریم و به فرزندان خود بیاموزیم. در شادی آنان شاد و در غم آنان اندوهگین باشیم. از آنان تجلیل کنیم؛ به زیارتشان برویم و یاران آنان را یاری کنیم.

از انجام دادن هر کاری که سبب توهین و تحقیر آنان است، پرهیز و در راه نشر فرهنگ آنان سرمایه گذاری کنیم؛ هجرت کنیم؛ وقت بگذاریم، در راه آنان وقف کنیم؛ در نامگذاری مراکز حساس به نام آن بزرگواران توجه کنیم، به وجود آنان افتخار ورزیم و کارهای شبیه این را انجام دهیم.

از خداوند تشکر کنیم که دست ما را در دست رهبر معصوم گذاشت. راستی! اگر آن بزرگواران نبودند، ما به طور قطع از گمراهان بودیم.

امام صادق علیه السلام به زواره فرمود: «راجع به امام منتظر مسائل گوناگون و تردیدهایی مطرح خواهد شد. اگر آن زمان را درک کردی این دعا را بخوان»: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.»^۱

آری! اگر کسی اعمالش را انجام دهد؛ ولی امام نداشته باشد، بدون امام معصوم راه به جایی نخواهد برد و با همه اعمال

۱. کنایه، ج ۱، ص ۳۴۲.

خیرش منحرف خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَةٍ يُجْهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ بِأَيِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنَّ سَعْيَهُ غَيْرُ مَشْكُورٍ وَهُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ»^۱ هرکس با عبادتی دین داری خداوند متعال را به جا آورد و برای انجام آن خود را به زحمت اندازد، ولی به امامت امامی که خداوند تعیین نموده، معتقد نباشد، زحمت او در عبادت قبول نمی‌شود و گمراه و سرگردان است و خداوند با اعمال او مخالف است.»

۱. همان، ص ۴۴۹.

۲۱. چگونه ممکن است امام زمان در کودکی رهبر مسلمانان

جهان شود؟

اولاً امدادهای الهی به سن و سال بستگی ندارد. گاهی یک رادیو کوچک موج دورترین نقطه را می‌گیرد؛ ولی یک رادیو بزرگ، امواج نزدیک‌ترین مکان را نمی‌گیرد. فلش کامپیوتر از فلز ساخته شده است و ابعاد آن حدود یک سانتی‌متر در چند سانتی‌متر بیشتر نیست؛ اما وقتی به کامپیوتر متصل می‌شود، پس از چند ثانیه چندین هزار جلد کتاب در آن ذخیره می‌شود. راستی! اگر انسان بتواند در لحظه‌ای این همه علوم را در فلزی ذخیره کند، که این را انجام داده است، خدای بزرگ بشر نمی‌تواند تمام علوم امامت را در یک کودک ذخیره سازد؟!

نه تنها امام بلکه بعضی از فرزندان امام نیز چنان اطلاعات وسیعی داشتند که همه را به تعجب وا می‌داشتند. در تاریخ می‌خوانیم که جمعی از شیعیان سؤالات زیادی را جهت دریافت پاسخ به منزل امام کاظم علیه السلام بردند. ایشان در خانه حضور

نداشتند. حضرت فاطمه معصومه[ؑ]، همه سؤالات را گرفت و به آن‌ها پاسخ علمی داد. یاران امام در راه برگشت، امام را در کوچه دیدند و گفتند: «شما داخل منزل نبودید، دختر عزیز شما همه سؤالات ما را مکتوب جواب داد.» امام کاظم[ؑ] پاسخ‌های نوشته شده دخترش را دید و سه مرتبه فرمود: «فداها ابوها!، فداها ابوها!، فداها ابوها!»

آری؛ با خاندان رسالت احدی قابل قیاس نیست: «لا یقاس بنا احد.»^۱

در قرآن می‌خوانیم که حضرت عیسی[ؑ] در کودکی سخن گفت و اعلام کرد: «من پیغمبر خدا هستم...»؛ «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»^۲ همچنین حضرت یحیی[ؑ] در کودکی پیامبر شد: ﴿وَاتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾^۳.

همه کارها در برابر قدرت خداوند متعال یکسان است؛ همان‌گونه که دیدن میخ کوچک و کوه بزرگ برای چشم یکسان است. قدرت نمایی خداوند متعال در کودک و بزرگ یک‌گونه است. خداوند گاهی به انجیر و زیتون کوچک: «وَالزَّيْتُونِ» و گاهی به خورشید بزرگ «وَالشَّمْسِ»، قسم می‌خورد تا بگوید این دو برای من یکسان هستند.

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۰۶.

۲. مریم، ۳۰.

۳. همان، ۱۲.

در فرودگاه‌ها یک ماشین کوچک راهنمای یک هواپیمای
غول پیکر می‌شود؛ همان‌گونه که یک الماس کوچک خطر
رعد و برق را از برج‌های بزرگ دور می‌کند.

۲۲. آیا الگوی حکومت حضرت مهدی علیه السلام و افراد آن قبل از

ظهور تحقق می‌یابد؟

البته در قرآن به بعضی از افراد و گروه‌ها در زمان‌هایی، با عبارتهای ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾^۱، ﴿أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾^۲، ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۳ اشاره کرده و سیمای افرادی را برجسته و قاطعانه مطرح نموده است. این افراد نمونه، در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام به صورت کامل و تشکل یافته، اداره زمین را بر عهده خواهند داشت؛ البته رسیدن به آن مرحله نیازمند تلاش فراوان است که منتظران حقیقی باید خود را برای آن مراحل آماده کنند.

مثلاً اسلام به ما می‌فرماید که ماه رمضان را روزه بگیرید، شاید باتقوا بشوید: ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۴. این بدان معناست که برای رسیدن به تقوای احتمالی سی روز گرسنگی لازم است.

۱. بقره (۲)، ۱۵۷.

۲. حجرات (۴۹)، ۷.

۳. زمر (۳۹)، ۳۳.

۴. بقره (۲)، ۱۸۳.

اکنون منتظران برای رسیدن به تقوای قطعی، آن هم جمعی و همیشگی باید چگونه رفتار کنند؟

بر اساس بعضی روایات کسانی که منتظر امام زمان عجل الله فرجه هستند، باید خود را برای زندگی ساده‌ای آماده کنند؛ یعنی زندگی خود را روی شمعک بیاورند: «فَالْيَسْتَعِدُّ لِلْفَقْرِ»^۱

در دعای ماه شعبان المعظم می‌خوانیم: «خدایا! به من توفیق بده به شکرانه نعمت‌هایی که دارم، آن‌گونه به فقرا و محرومین بدهم که با آن‌ها در یک رده قرار بگیریم؛ «وَ ارزُقْنِي مُوَسَاتٍ مِّنْ قَتْرَتٍ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ.»^۲

شاید بخشی از برنامه‌های حضرت مهدی عجل الله فرجه جهت اجرای عدالت، گرفتن اموال کسانی باشد که به ناحق پول دار شده‌اند و نیز تقسیم کردن آن اموال بین فقرا باشد؛ همان‌گونه که در زندگی حضرت امیر عجل الله فرجه می‌خوانیم که ایشان در زمان حکومت حتی اسب اسب‌داران را نیز مشمول زکات دانست و فرمود: «امسال زکات گندم؛ جو؛ گاو و گوسفند برای فقرا کافی نیست و اسب‌داران نیز باید مبلغی در قالب زکات کمک کنند.»

این نکته امتحانی است از سوی خداوند متعال که در مواردی باید انسان از فراوانی نعمت هم استفاده نکند؛ همان‌گونه که در قرآن می‌خوانیم: طالبوت که فرمانده منصوب خداوند متعال در

۱. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۴۷.

۲. همان، ج ۸۷، ص ۲۰.

لشکر حق بود، به پیروانش گفت: «مَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي»^۱؛ «هر کس از آن بخورد از ما نیست و هر کسی نخورد از ماست؛ ﴿إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ﴾»^۲. «البته با کف دست لبی تر کردن جایز است.»

آری! گاهی سفره بیت المال باز است و کسانی که زهد پیشه کردند و از آن کناره گرفتند، حزب الله واقعی هستند: «مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي»^۳؛ «کسانی که از آن سوء استفاده کردند و برای خود و نزدیکانشان بساط کامیابی راه انداختند، از مدار حق خارجند و در مورد آیه قبل کسانی که آب خوردند از زمره لشکریان حق به دورند. کسانی فقط لبی تر کرده‌اند، این‌ها نه جزء «مِنِّي» و نه جزء «فَلَيْسَ مِنِّي»^۴ هستند بلکه افراد متوسطی می‌باشند.

۱. بقره (۲)، ۲۴۹.

۲. بقره (۲): ۲۴۹.

۳. همان.

۴. همان.

۳۲. اگر بخواهیم خود را برای نظام مهدوی آماده کنیم، باید چه نگاهی داشته باشیم؟

امام جهانی، مریدان جهانی و افکار جهانی لازم دارد. در بیشتر دعاها به ما سفارش شده که نگاه خود را از شخصی، فردی و جزئی به افقی بازتر بیفکنیم.

مثلاً حتی اگر به تنهایی نماز می‌خوانیم باید بگوییم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^۱ و حق نداریم بگوییم: «إِيَّاكَ أَعْبُدُ وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ». باید بگوییم «اهدنا» نه «اهدني»، باید بگوییم: «الْسَّلَامُ عَلَيْنَا» نه «الْسَّلَامُ عَلَيَّ».

در دعاهای ماه رمضان همه نگاه‌ها، نگاه جمعی است؛ چنان‌که در دعای بعد از هر نماز در روزهای ماه رمضان، سفارش شده که برای همه فقیران، مسافران، بیماران، گرفتاران و قرض داران دعا کنیم. در زکات باید هنگام تقسیم سهمی را برای جذب دل‌های ضعیف، گرچه مسلمان هم نباشند، قرار دهیم تا با احسان و گستردن سفرهٔ محبت، آنان را بر سر سفرهٔ استدلال

۱. حمد (۱)، ۴.

بشانیم و از راه محبت و عاطفه دلایل خود را القا کنیم.

خداوند متعال در قرآن، با لحن مخصوصی از مظلومیت دختران مشرک که زنده به گور می‌شدند، سخن گفته و می‌فرماید: ﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾^۱. کلمه «مَوْؤُودَةُ» به دخترانی گفته می‌شود که زنده به گور می‌شدند. این رسم برخی افراد جاهلی بود که داشتن دختر را ننگ می‌دانستند. همین که به یکی از آن‌ها خبر تولد دختری داده می‌شد، از ناراحتی صورتش سیاه می‌گردید: ﴿إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا﴾^۲ و با خود فکر می‌کرد که آیا فرار کند: ﴿يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ﴾^۳ و یا با خاری آن دختر را نگه دارد یا زیر خاک پنهانش کند: ﴿أَيْمَسْكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ﴾^۴.

قرآن کریم با لحنی ویژه از این جنایت بزرگ که در حق یک دختر مشرک انجام می‌شد، به شدت انتقاد نموده و اعلام می‌کند که این ظلم در قیامت مورد سؤال قرار می‌گیرد: ﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾. وقتی لشکر بنی‌امیه مرزبانی شهر را برعهده گرفت، امام سجاد علیه السلام در حق آنان دعا کرد، با وجود آنکه آن‌ها پیش از آن در واقعه عاشورا، پدر، برادران، و بستگانش را آن‌گونه به شهادت رسانده بودند. دعای امام سجاد در حق

۱. تکویر (۸۱)، ۸۹.

۲. نحل (۱۶)، ۵۸.

۳. همان، ۵۹.

۴. همان.

مرزبان در صحیفه سجادیه گویای این مطلب است. تربیت جمعی به قدری مهم است که در مسائل اجتماعی، اصل مشورت سفارش شده و در مسائل فردی، دعا برای چهل نفر، مقدمه دعا کردن برای خود قرار گرفته و این نوع دعا کردن به استجابت نزدیکتر است.

در قرآن می‌خوانیم که چرا برای دفاع از مستضعفین جهان به پا نمی‌خیزید و جهاد نمی‌کنید؟ قرآن کریم دفاع از مستضعف را در همه جای کوره زمین لازم می‌داند.

بنابر احادیث هر کس صدای مظلومی را شنید و قیام نکرد مسلمان نیست. خواه آن مظلوم مسلمان باشد، خواه غیر مسلمان:

«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.»^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام همین که شنید زیور یک زن غیر مسلمان به سرقت رفته، فرمود: «اگر انسانی از غصه بمیرد، رواست.»^۲ این موارد گویای نگاه جمعی مکتب اسلام است که به پیروان خود درباره همه مردم سفارش کرده است.

۱. کنای، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. نهج البلاغه، ص ۹۳.

۲۴. چگونه می توان وعده حکومت جهانی را باور و تقویت

نمود؟

در قرآن وعده‌های بسیاری وجود دارد که همه عملی شده است. خداوند متعال به پیامبرش فرمود: «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ»؛ «ما نام نیک تو را پرآوازه قرار می‌دهیم» و این چنین شد. و آیات دیگر از جمله اینکه «ما جلو مسخره کنندگان را می‌گیریم؛ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ.»^۲ «ما قرآن را حفظ می‌کنیم؛ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ.»^۳ «مسلمانان پیروزمندانه وارد مسجد الحرام خواهند شد؛ لَتَدْخُلَنَّ مَسْجِدَ الْحَرَامِ»^۴ که تمام این موارد تحقق یافت.

عمل نکردن به وعده‌ها، دلایلی دارد که خداوند از همه آن‌ها دور می‌باشد؛ مثلاً عمل نکردن به وعده‌ها گاهی به خاطر فراموشی است که ساحت خداوند متعال از فراموشی به دور

۱. الشرح (۹۴)، ۴.

۲. حجر (۱۵)، ۹۵.

۳. همان، ۹.

۴. فتح (۴۸)، ۲۷.

است: ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾^۱ و گاهی به خاطر تحت فشار قرار گرفتن است که البته هیچ چیز نمی‌تواند خداوند متعال را تحت فشار قرار بدهد و او را عاجز کند. گاهی نیز به خاطر ناتوانی است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ﴾^۲.

آری، هیچ قدرتی نمی‌تواند مانع اراده خداوند متعال شود. در قرآن آمده است که نوح به پسرش گفت: «خداوند کفار را غرق می‌کند.» پسرش گفت: «من به کوه پناه می‌برم تا غرق نشوم؛ سَأَوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَّعِصْمُنِي.»^۳ حضرت نوح فرمود: «کوه هم در برابر قهر خداوند ناتوان است؛ ﴿لَا غَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ﴾^۴.

بنابراین، با دیدن نمونه‌هایی از عمل به وعده‌ها، چه در قرآن و چه در روایات ایمان می‌آوریم که این وعده خداوند متعال در مورد حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز محقق خواهد شد.

۱. مریم (۱۹)، ۶۴.

۲. یوسف (۱۲)، ۲۱.

۳. هود (۱۱)، ۴۳.

۴. همان.

۲۵. چگونه می‌توان فهمید که ما جزء یاران آن حضرت هستیم؟

با توجه به این که اهداف امام مشخص شده است، می‌توانیم با ارزیابی خود درباره میزان اهتمام ما به اجرای این اهداف به این سؤال پاسخ دهیم. برخی از این اهداف مهم عبارتند از: نابودی ظلم و ستم، گسترش عدالت، اقامه دین و مکتب الهی و اجرای احکام خداوند.

می‌توانیم با نگاهی به زندگی خود ببینیم که در طول عمر خویش، چند بار مقابل ظلم و ستم ایستاده ایم، از رفاه خود گذشته ایم، مستضعفین را یاری کرده ایم، در محو طاغوت و باطل کوشیده ایم؟

در مناطقی که انقلاب به حقی می‌شود، آیا از مبارزان و حمایت‌کننده‌ها هستیم یا از ساکتین؟ در مواردی که به گذشت و ایثار ما نیاز است، آیا اهل گذشت و ایثار هستیم یا نه؟ آن‌جا که به هجرت نیاز هست، هجرت می‌کنیم یا نه؟ حتی در مواردی

که اهل عمل باشیم باز خطر بدعابتی وجود دارد. گروه‌هایی از یهودیان به انتظار پیامبر اسلام ﷺ به مدینه هجرت کردند؛ چون شنیده بودند که محل حکومت حضرت رسول ﷺ مدینه است؛ ولی در زمان ظهور پیامبر اسلام ﷺ با آن که پیامبر را به خوبی می‌شناختند، ایمان نیاوردند: ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ﴾؛ یعنی اول اهل عمل شدند و مهاجرت هم کردند؛ ولی سرانجام در امتحان خود شکست خوردند.

چه بسیارند افرادی که در شرایط ویژه‌ای قول‌های زیادی می‌دهند، تعهدها یا نذرها یا سوگندها و قراردادهایی را با خدای خود می‌بندند؛ اما در هنگام عمل بد عاقبت می‌شوند! بنابراین، هم می‌توان خود را در برابر صحنه‌هایی که تا کنون پیش آمده است، ارزیابی کرد و هم می‌توان در آینده به ارزیابی نشست. به هر حال اگر در ارزیابی‌ها، امتحان‌ها و آزمایش‌های گذشته موفق بوده‌ایم نباید گرفتار غرور و عجب شویم که خطر انحراف و بدعابت شدن در کمین ماست.

۲۶. چگونه روحیه انتظار را در خود تقویت کنیم؟

اگر ما تابلویی از کارنامه و اهداف والای حضرت را ببینیم،
حتماً منتظر آن حضرت خواهیم شد.

گوشه‌ای از کارنامه حضرت، در دعای ندبه وجود دارد که برخی
از آن‌ها عبارتند از:

- ریشه ظلم را می‌کند: «أَيْنَ الْمُعْدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلمَةِ.»

- انحرافات و کجی‌ها را درست می‌کند: «أَيْنَ الْمُنتَظِرُ لِإِقَامَةِ الأَمْنِ وَ
الْعَوْجِ.»

- ستم و تجاوز را از بین می‌برد: «أَيْنَ الْمُرتَجِي لِإِزَالَةِ الحُجُورِ وَ العُدوانِ.»

- کتاب و حدود الهی احیا می‌شود: «أَيْنَ الْمُؤْمِلُ لِإِحْيَاءِ الكِتَابِ وَ
حُدُودِهِ.»

- شوکت متجاوزین در هم شکسته می‌شود: «أَيْنَ قاصِمِ شوْكَةِ
المُعْتَدِينَ.»

- رشته‌های دروغ و افترا قطع می‌شود: «أَيْنَ قاطِعِ حَبائِلِ الكِذْبِ وَ
الْأفْسَاءِ.»

- اولیای الهی عزیز و دشمنان ذلیل می شوند: «أَيْنَ مُعَزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ.»

- افکار و سخنان متفرقه بر محور تقوا جمع می شود: «أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَيَّ التَّقْوَى.»

با اقدامات آن حضرت، خرافات و پیرایه‌ها برکنار و شریعت ناب اسلام ظهور می‌یابد، عدالت واقعی برقرار می‌شود، کتاب خدا از مهجوریت خارج می‌گردد و محور گردش امور جامعه قرار می‌گیرد. از جنایتکاران تاریخ انتقام گرفته می‌شود و صدها مورد دیگر که در روایات و ادعیه به آنها اشاره شده است.

توجه به این کارنامه و توجه به این که هستی به برکت او پا برجاست، انتظار را در ما شکوفا می‌کند. انتظار مهدی عج انتظار همه خوبی هاست و محو همه بدی‌ها. مگر می‌شود کسی منتظر ظهور خوبی‌ها و محو بدی‌ها نباشد؟

این نوع معرفت و آگاهی، انسان را وادار می‌کند که به امام زمان عج به عنوان کسی که این اهداف را محقق می‌سازد؛ سلام بدهد؛ آن هم سلامی جامع. سلام بر قیامش، سلام بر قعودش، سلام بر رکوعش، سلام بر سجودش، سلام بر قنوتش: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ.»^۱

این معرفت است که انسان را وادار می‌کند در فراق او اشک بریزد و بگوید: یا مهدی! «برای من سخت است که همه را ببینم ولی تو را نبینم؛ عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَرِيَ الْخَلْقَ وَ لَا تُرِي.»^۲
ای مهدی! «راهی هست که تو را ملاقات کنم؛ هَلْ اِلَيْكَ يَابْنَ
اَحْمَدَ سَبِيْلٌ فَتُلْقِي.»^۳

اگر کسی به این معرفت برسد که ولی خدا هر روز برای ما دعا می‌کند و ما را از یاد نمی‌برد و واسطه فیض ماست؛ آن‌گاه عشق و علاقه اش به آن حضرت زیاد می‌شود.

۱. مغتایح الجنان، فرازی از زیارت آل یاسین.
۲. همان، فرازی از دعای ندبه.
۳. همان.

۲۷. رابطه شب قدر و حضرت مهدی عج چیست؟

برای اثبات وجود امام زمان، می‌توان از سوره قدر استفاده کرد. شب قدر در هر سال وجود دارد و هر سال در آن شب، فرشتگان همراه با «روح» که فرشته برتری است، به زمین نازل می‌شوند. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نزول آنان بر شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله باید شخصی حضور داشته باشد که لایق نزول فرشتگان بر او باشد. آن شخص امام معصوم است و در زمان ما حضرت مهدی عج می‌باشد. امام عصر عج در مقامی است که شب قدر که از هزار ماه بهتر است، روح و فرشتگان الهی بر او نازل می‌شود و به این ترتیب میان زمینیان و آسمانیان ارتباط برقرار می‌شود.

با توجه به این مطلب، امام صادق ع از آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» رهبری امام زمان را ثابت می‌کند^۱ و می‌فرماید: آیا هر سال شب قدر نداریم؟ هر سال یک شب قدر داریم. بعد قرآن

۱. قدر (۹۷)، ۴.

می فرماید: در شب قدر ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ﴾^۱ ملائکه و فرشته‌های خدا از آسمان به زمین می‌آیند. امام می‌گوید: فرشتگان در زمان رسول الله بر پیامبر نازل می‌شدند؛ چون قرآن می‌گوید: ﴿نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ﴾^۲ وقتی پیامبر زنده بود، در شب قدر ملائکه بر قلب وی نازل می‌شدند؛ الآن هم باید شخصی چون پیامبر حضور داشته باشد که شب قدر فرشتگان بر او نازل بشوند. این آیه جز بر وجود حضرت مهدی قابل تطبیق نیست و ائمه ما از آیه «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ» برای اثبات وجود مبارک حضرت مهدی عج استفاده کرده‌اند.^۳

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲. بقره (۲)، ۹۷.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲۸. چرا هنگامی که نام امام زمان علیه السلام برده می‌شود، قیام می‌کنیم؟

ابتدا مقدمه‌ای را یادآوری کنیم و آن این است که مسأله قیام، همچون نخ تسبیح در تمام دانه‌های دین جریان دارد.

خداوند هستی ﴿قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾^۱ است و به پیغمبرش دستور قیام می‌دهد: ﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾^۲

به مردم نیز سفارش قیام می‌کند: ﴿كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ﴾^۳. نزول کتاب‌های آسمانی برای قیام مردم است: ﴿وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۴

نام رستاخیز نیز قیامت است؛ در نماز هم مسأله قیام مطرح شده است: «أَقِمُوا الصَّلَاةَ» در حج نیز قیام مورد توجه است: ﴿قِيَامًا لِّلنَّاسِ﴾^۵؛ نام امام دوازدهم نیز قائم است. بر این اساس، تعبیر

۱. آل عمران (۳)، ۱۸.

۲. مدثر (۷۴)، ۲.

۳. نساء (۴)، ۱۳۵.

۴. حدید (۵۷)، ۲۵.

۵. مائده (۵)، ۹۷.

قیام در تمام بدنهٔ دین پاسخ کسانی است که دین را عامل رکود می‌دانند، نه حرکت.

اما پاسخ اینکه: در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که وقتی نام مخصوص حضرت مهدی علیه السلام آورده شد، امام رضا علیه السلام به احترام آن نام قیام فرمود، با این که هنوز امام زمان علیه السلام متولد نشده بود. شاید قیام ما علاوه بر احترام، نشانه نوعی آماده باش برای ظهور آن حضرت باشد.

۲۹. امام عصر علیه السلام با حضور در یک منطقه چگونه هدایت کل

بشر را در دنیا انجام می‌دهد؟

اصولاً هدایت به حضور فیزیکی نیازی ندارد؛ حتی نیازمند دیدن و شنیدن مستقیم هم نیست. در زمان جنگ صدها هزار جوان به امر امام خمینی علیه السلام به جبهه رفتند در حالی که بیش‌تر آن‌ها امام را به طور مستقیم ندیده بودند. مگر اویس قرنی، پیامبر را دیده بود؟ مگر خود ما که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان آورده‌ایم، ایشان را دیده‌ایم؟ در نقطه مقابل این قضیه، مگر همه کسانی که پیامبر را از نزدیک دیدند، به ایشان ایمان آوردند؟ بنابراین شرط هدایت، حضور فیزیکی و ملاقات از نزدیک نیست؛ بلکه باید یک رابطه معنوی برقرار شود.

روابط معنوی به ملاقات و حضور فیزیکی ربطی ندارد. مردم از علم دانشمندی استفاده می‌کنند که آن‌ها را ندیده‌اند. با کمال تأسف، جمعی از افراد کج اندیش (وهابی‌ها)، اعتراض می‌کنند و می‌گویند شما در حالی به اولیای خدا متوسل می‌شوید که

آن‌ها مرده اند و از مرده کاری ساخته نیست! توسل شما به غیر خدا شرک است. آن‌ها نمی‌دانند که ما به جسم ائمه متوسل نمی‌شویم؛ بلکه توسل ما به مقام و جایگاه آن‌هاست و مقام آن‌ها زنده و مرده ندارد. شعر معروفی است که می‌گوید: «گر در یمنی چو با منی پیش منی»؛ یعنی افراد با پیوند معنوی هدایت می‌شوند.

خداوند در قرآن به یهودیان همزمان با پیامبر می‌گوید که شما انبیا را کشتید،^۱ در حالی که این کار نیاکان آن‌ها بود؛ ولی به خاطر این‌که نسل کنونی از کار گذشتگان خود راضی بودند؛ به همین دلیل خداوند کشتن انبیا را به آن‌ها نیز نسبت می‌دهد. نمونه قرآنی دیگر این است که شتر حضرت صالح را یک نفر کشت؛ ولی بنابر سخن خداوند جمعی او را کشتند. بدیهی است یک نفر شتر را پی‌کرده و کشته است؛ ولی چون بقیه هم به کشتن آن راضی بودند، خداوند این را به همه آن گروه نسبت می‌دهد: ﴿فَعَقَرُوهَا﴾^۲

نمونه دیگر این‌که سفارش شده در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان که بگوییم: «اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ قَتْلَةَ جَمْعِ قَاتِلٍ است. قاتل امیر المؤمنین یک نفر بود؛ ولی ما به جمعی لعنت می‌فرستیم و این به خاطر پیوند معنوی در این کار است. بر

۱. بقره (۲)، ۹۱.

۲. شعرا (۲۶)، ۱۵۷.

این اساس هرگاه بین هدایت کننده و هدایت شونده نوعی پیوند معنوی برقرار باشد، هدایت صورت می‌گیرد و این هدایت به حضور فیزیکی نیازی ندارد.

۳۰. آیا در زمان حکومت امام عصر علیه السلام به هیچ وجه ظلم و

ستم نخواهد بود و انحرافی صورت نخواهد گرفت؟

معنای حکومت حق این نیست که تمام افراد آن عادل یا معصوم باشند؛ بلکه ممکن است در آن نظام افراد منحرف نیز وجود داشته باشد و کارهای خلاف هم در آن انجام گردد.

برای مثال در زمان حضرت سلیمان علیه السلام، جمعی به دنبال وسوسه‌های شیطان بودند آن‌چنان که برای ایجاد تفرقه بین زن و شوهرها آموزش سحر و جادو می‌دیدند! این ماجرا در آیه ۱۰۲ سوره بقره مطرح شده است.

ریشه گناه، هوس‌های شخصی است و با حکومت حق، این هوس‌ها محو نمی‌شود. تا زمانی که انسان غضب و شهوت دارد در معرض خلاف نیز هست. از بعضی آیات قرآن می‌توان استفاده کرد که حتی یهود و نصارا نیز در زمان حضرت مهدی علیه السلام وجود دارند؛ ولی نظام حاکم، نظام مهدوی خواهد بود؛ اگر به کسی ظلم شود، به سرعت پی‌گیری و حق مظلوم از ظالم ستانده خواهد شد.

۳۱. چرا در عصر غیبت باید به ولی فقیه مراجعه کرد؟

برای گسترش عدالت اجتماعی در جامعه، لازم است که در تک تک مردم، اعتقاد و ایمان به عدالت اجتماعی را به وجود آوریم؛ به گونه‌ای که هر کس در هر کجا و در هر پست و مقام، خود بر پادارنده عدالت باشد. چون در زندگی میان منافع افراد تضاد و تزاخم هست و قهراً درگیری و نزاع پیش می‌آید و هر یک از طرفین دعوا یا خود را صاحب حق می‌داند و یا حاضر نیست از حرفی که زده، دست بردارد؛ در این جا خداوند برای استقرار عدالت دستوراتی به وسیله پیامبران به مردم ابلاغ فرموده است: ﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾؛ اگر در امری با هم نزاع داشتید به خدا و پیامبر رجوع کنید...!! زیرا این کار نشانه ایمان راستین به خدا و معاد است. از سوی دیگر کسی که به دستورات الهی مراجعه نکند، امور خود را به نظام‌های طاغوتی ارجاع دهد و از ستمگران توقع عدالت و قضاوت داشته باشد؛ بایستی جداً در ایمان خود تجدید

۱. نساء (۴)، ۵۹.

نظر کند: ﴿الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ﴾؛ آیا نیدیدی کسانی که خود را مسلمان می‌پندارند و به فرمان‌های الهی که به تو و پیامبران قبل از تو نازل شده است، ایمان دارند؛ ولی در عمل به طاغوت تمایل داشته و نزاع‌های خود را نزد تو نمی‌آورند، اینان خیال می‌کنند که ایمان دارند؛ ولی به واقع مسلمان نیستند؛ زیرا ما به آن‌ها امر کردیم که سراغ طاغوت نروند و به آن کفر ورزند؛ ولی گوش ندادند.

بر این اساس اقامه عدالت، اگر قالب رفع درگیری میان دو نفر و یا عدالت در گستره اجتماع باشد، مهم است و از جمله هدف رسالت انبیاست؛ چنان‌که خداوند هدف از فرستادن پیامبران را اقامه عدالت در جامعه می‌داند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾.^۱ حال اگر در زمانی حضور داشته باشیم که برای برپایی عدالت نتوان به حضور پیامبر یا امام معصوم رسید؛ بدون شک در این زمان باید به نمایندگان خاص امامان و در غیبت کبرا به فقیهان جامع الشرایط (نمایندگان عام آنان) مراجعه کنیم؛ چنان‌که در حدیث آمده است: «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»^۲؛ علما، وارثان و جانشینان پیامبران

۱. همان، ۶۰.

۲. حدید (۵۷)، ۲۵.

۳. کنازی، ج ۱، ص ۳۲.

می‌باشند.»

در مواردی که خطر انحراف از مرز عدالت و تجاوز به حقوق یکدیگر پیش می‌آید، باید به علمای عادل مراجعه نمود تا آنان بر اساس حکم خدا فرمان و فتوا دهند.

پرچم اجرای عدالت باید در دست بندگان برگزیده خدا باشد. اینان ارکان عدالت اجتماعی و کلید داران سعادت جامعه هستند. بر این اساس و بر مبنای روایت‌های متعدد در زمان غیبت امام، این مسؤلیت بر عهده فقیهان و اسلام شناسانی است که علاوه بر عدالت کامل، لیاقت، بینش سیاسی و مدیریت، بتوانند حکم خدا را از لابه‌لای آیات قرآن و کلمات پیشوایان معصوم استخراج کنند و البته باید در این زمینه مهارت کافی و تبحر خاصی داشته باشند تا بتوان بر آن‌ها عنوان «فقیه» را نهاد.

در پیامی که از حضرت مهدی علیه السلام رسیده چنین سفارش شده است که «وَأَمَّا الْخَوَاتِمُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاةِ حَدِيثِنَا...»^۱ در حوادثی که پیش می‌آید، خودسرانه و عجولانه تصمیم نگیرید؛ بلکه به فقیهان عادل‌ی که از هوا و هوس دورند، مراجعه کنید تا آنان راه خدا و حکم او را در این زمینه برای شما بیان کنند.

در حدیث دیگر می‌خوانیم که «الْفُقَهَاءُ أَمْنَاءُ الرُّسُلِ»^۲ فقها، امین پیامبرانند.» و باید برای استقرار نظامی عادلانه به آنان مراجعه

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۶.

نمود.

«ابو خدیجه» که یکی از یاران مورد اعتماد امام صادق علیه السلام است، از سوی امام مأمور شد تا به مردم اعلام کند: «اجعلوا بینکم رجلاً ممن قد عرفَ خلائنا و حرامنا فانی قد جعلته قاضياً؛^۱ تنها به شخصی مراجعه کنید که به حلال و حرام ما عمیقاً آگاه باشد. من چنین افرادی را به عنوان قاضی نصب می‌کنم.»

گاهی در جامعه مسایلی پیش می‌آید که حکم صریح آن در قرآن یا حدیث وجود ندارد؛ ولی خطوط کلی، معیارها، اصول و قواعد آن در دست فقیه است که فقط او می‌تواند حکم آن مسأله را به دست آورد.

همان‌گونه که امام معصوم می‌تواند احکام و دستورات مقطعی صادر کند؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام برای اسبها زکات و مالیات مقرر فرمود و چون برای آن مورد سؤال قرار گرفت، بر این اساس که پیامبر بر اسبها زکات قرار نداد و شما قرار دادید؛ فرمود:

من بر مؤمنین ولایت دارم. امسال که وضع استثنایی پیش آمده است، می‌توانم از حق ولایت خود استفاده کنم و برای تهیه سرمایه بیش‌تر برای بیت‌المال، برای اسبها نیز زکات تعیین نمایم.^۲

۱. تهذیب، ج ۶، ص ۳۰۳.
 ۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

بر همین مینا هرگاه جامعه تعادل سیاسی، اقتصادی یا امنیتی خود را از دست بدهد فقیه با ولایت و نظارتی که دارد، می‌تواند به طور گذرا برای برقراری تعادل فرمان‌های لازم را صادر کند؛ معاملاتی را تحریم کند؛ دستور بسیج دهد و مالیات‌هایی را به صورت موقت اضافه کند.

آیت الله میرزای شیرازی همین که دید اقتصاد کشور از راه تنباکو به دست انگلیس می‌افتد با فتوای خود مبنی بر تحریم تنباکو راه را بر آن دولت ستمگر بست. امام خمینی رحمته نیز دستور ترک خدمت و فرار از پادگان‌های رژیم شاهنشاهی را به سربازان صادر نمود و شاه را از سلطنت خلع کرد.

۳۲. ویژگی‌های حکومت امام زمان چیست؟

حکومت امام عصر همانند حکومت انبیا و اولیای الهی است و با تأکید بیش‌تر و به میزان گسترده‌تری به اجرای احکام الهی می‌پردازد. تفاوت این حکومت با حکومت‌های الهی که در گذشته برپا شده‌اند، در جهانی بودن آن است؛ به این معنا که موجب اجرای کامل احکام الهی در سرتا سر گیتی می‌گردد. به هر روی ویژگی‌های حکومت مهدوی عبارتند از:

۱. احیای فرهنگ قرآن

اولین اقدام آن حضرت پس از استقرار حکومت، تشکیل کلاس‌های قرآن و در نتیجه ترویج فرهنگ قرآنی است: «الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ.»^۱

۲. وفور نعمت‌های آسمانی و زمینی

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ آمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا؛ وقتی قائم قیام کند،

۱. احتجاج ج ۲، ص ۴۹۲.

بر اساس عدالت حکومت می‌کند و در زمان او ستم از بین می‌رود و راهها امنیت می‌یابد و برکات زمین استخراج می‌گردد.^۱
در زمان حکومت آن حضرت، آبها و سرچشمه‌ها فراوان و محصولات چند برابر می‌شوند:

قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «نُخْرِجُ الْأَرْضَ نَبَاتَهَا وَ نُنزِلُ السَّمَاءَ بَرَكَتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ»^۲ زمین همه نباتات خود را می‌رویاند و آسمان همه برکات خود را نازل می‌کند و ظاهر می‌شود برای او گنجها و معادن زمین.»

قَالَ الْبَاقِرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمَرَ»^۳ روی زمین نقطه ویرانی نمی‌ماند جز اینکه آباد می‌گردد.»^۴

۳. اقامه نماز

از امام باقر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در تفسیر آیه

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ﴾^۴
سؤال کردند؛ حضرت در پاسخ فرمودند: «فَهَذِهِ [الآيَةُ] لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يَظْهَرُ بِهِ الدِّينُ وَ يُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَثَرُ الظُّلْمِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ

۱. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰.

۴. حج، ۴۱.

عَنِ الْمُنْكَرِ؛^۱ این برای آل محمد است؛ مهدی و اصحاب او. خداوند متعال مشارق و مغارب زمین را به تصرف آنها درمی آورد و دین را آشکار می سازد و خداوند به وسیله او و یارانش بدعتها و باطل را از بین می برد همچنان که سفیهان حق را میرانده باشند تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود.»

امام علیه السلام فرمود: برنامه مهدی ما وقتی که می آید، این چهار موضوع است:

الف) اقامه نماز

در زیارت آل یاسین به این مطلب اشاره شده است: «أَسْأَلُكَ عَلَیْكَ حِينَ تُصَلِّي». ^۲ وقتی که نماز تا این اندازه مهم است که در زیارت حضرت به آن اشاره می شود، در برنامه های مهدوی از اهتمام ویژه ای برخوردار است.

ب) پرداخت زکات

مهدی علیه السلام مانع الزکات را می کشد.

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: «دَمَانٌ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ بِحُكْمِ اللَّهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ علیهم السلام فَيَحْكُمُ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُرِيدُ عَلَيَّ ذَلِكَ بَيْنَةَ الرَّانِي الْمُحْصِنُ

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲.

يَرْجُمُهُ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ رَقَبَتَهُ؛^۱ در اسلام دو خون مباح است که احدی به حکم خدای عزوجل در مورد آنها قضاوت نمی‌کند تا اینکه خداوند امام قائم را برانگیزد و او به حکم خدای عزوجل در آن حکم کند، اما بینه نمی‌خواهد. یکی زانی محصن است که او را سنگسار می‌کند و دیگری مانع‌الزکاة است که او را گردن می‌زند.

ج) تقویت توان علمی

تقویت توان علمی جامعه از جمله برنامه‌های حکومت مهدوی است. منتظران امام زمان عجلتعالیه باید عاشق علم و دانش و در تمام رشته‌های علمی ممتاز باشند.

قَالَ الصَّادِقُ ع: «أَلِئِمُ سَبْعَةَ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعَشْرِينَ حَرْفًا فَتَبَّهَا فِي النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةَ وَ عَشْرِينَ حَرْفًا»^۲ مجموعه علوم بیست و هفت حرف است که تاکنون فقط دو حرف آن به وسیله انبیاء الهی شناخته شده است؛ در نتیجه هنگامی که قائم آل محمد قیام کند بیست و پنج باب دیگر از علوم (به برکت او) شناخته خواهد شد و در میان مردم گسترش خواهد یافت و جامعه از مجموعه بیست و هفت حرف علم آگاهی خواهد داشت.

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

(د) مقاومت و تلاش

از امام باقر علیه السلام سؤال کردند که آیا با ظهور مهدی کارها خود به خود درست می‌شود؟ فرمود: «اگر چنین بود پیشانی پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌شکافت و دندان‌ش نمی‌شکست» «و الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نُمَسِّحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ ثُمَّ مَسَّحَ جَبْهَتَهُ!» به کسی که جانم در دست اوست، سوگند! حتی ما و شما عرق و خون غلیظ را پاک می‌کنیم، سپس به پیشانی‌اش دست کشید.»

از این حدیث چنین برمی‌آید که استقرار حاکمیت مهدوی علیه السلام حتی با ظهور آن حضرت به تلاش و کوشش نیاز دارد.

۳۳. ویژگی‌های یاران امام زمان عجلتعالیه چیست؟

یاران امام زمان ویژگی‌های خاصی دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

شناخت حضرت مهدی عجلتعالیه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱
هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته است، به مرگ جاهلیت مرده است.

قَالَ الْبَاقِرُ ع: «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ الْإِمَّةَ كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ»^۲ بنده خدا مؤمن نخواهد بود، مگر این که خداوند متعال، رسول او تمام اهل بیت او به ویژه امام زمانش را بشناسد.
قَالَ الْبَاقِرُ ع: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيُهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ»^۳ هر آن که نفس خود را برای عبادت خداوند متعال به تلاش و کوشش وا دارد، در حالی که

۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. کنافه، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳. همان، ص ۱۸۳.

امامی از سوی خداوند متعال برای خویش برگزیده باشد؛ عمل او به درگاه الهی پذیرفته نمی‌شود.»

داشتن اخلاق نیکو

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَتَنَبَّهْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ؛^۱ هر کس شاد می‌شود از آن که از یاران قائم باشد پس می‌بایست پرهیزگار بوده، نیکویی‌های اخلاقی را عمل کند؛ در حالی که منتظر است.»

اطاعت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «ذُرْوَةُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ؛ بالاترین و گوارا ترین مرحله برای وجود انسان که بازکننده درهای امور است، رضایت خداوند متعال به اطاعت از امام، سپس از شناخت اوست.»^۲

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.

۲. کفای، ج ۱، ص ۱۸۵.

۳۴. با توجه به کثرت و تنوع سلاح‌های پیشرفته و قدرت نظامی دشمنان امام زمان علیه السلام، ایشان چگونه بر آنها غلبه می‌کند؟

برای بعضی این سؤال ایجاد می‌شود که امام زمان در برابر بمب‌های اتمی و خوشه‌ای و سلاح‌هایی از این دست چه می‌کند؟ فرض کنید که الآن ما تانک و توپ بسیار فراوانی داریم؛ این تانک‌ها و توپ‌ها در مقابل نیروهای دیگران و دنیا چه می‌تواند بکند؟ وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، افراد زیادی صدای او را می‌شنوند، بیان و هدفش را می‌بینند، با ایشان اعلام همبستگی می‌کنند و تمام قدرت‌هایشان را در اختیار امام می‌گذارند. از سوی دیگر، در روایات آمده است: «نَصْرُهُ بِالرُّعْبِ؛ در دل دشمنان ترس قرار می‌دهد.» در قرآن کریم آمده است: ﴿سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ﴾؛ دشمنان به وحشت می‌افتند نمونه بسیار کوچک این مسأله در انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی ایجاد شد. چه کسی باور می‌کند آمریکا از ایران

۱. آل عمران (۳)، ۱۵۱.

بترسد؟ چه کسی مسألهٔ امدادهای غیبی را باور می‌کند؟ ما در جبهه جنگ شاهد امدادهای غیبی فراوانی بودیم. کسانی را دیدیم که مهندس تعمیر تانک‌ها بودند؛ از ارتش عراق فرار کردند؛ به سوسنگرد آمدند و تانک‌های ایران را تعمیر کردند. این همبستگی نوعی عمل خارق‌العاده است.

من خودم افرادی را دیدم که نیروی دشمن بود، ولی الآن در اختیار ملت ماست. همین ارتش در اوایل انقلاب مگر به جمهوری اسلامی اعلام همبستگی نکرد؟ خودش را با تانک و توپ و تمام تخصصش در اختیار انقلاب گذاشت. شبیه کاری را که ارتش ما نسبت به رهبر انقلاب کرد، ارتش دنیا و بسیاری از قدرتمندان و توانمندان آن نسبت به حضرت مهدی علیه السلام انجام خواهند داد، به طوری که خود را با تمام امکانات در اختیار حضرت مهدی قرار می‌دهند و ما به این مسأله امید داریم و باید به امام توجه ویژه داشته باشیم؛ چنانچه امام نیز به ما توجه دارد.

۳۵. منظور از ملاقات امام در حج چیست؟

عرضه شدن بر امام، خود از جمله برکات و درس‌های مکه است؛ چنانچه حدیث آمده است: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ»؛ یعنی حج کسی پذیرفته می‌شود که آن‌جا با رهبر آسمانی در ارتباط باشد. اگر نخ نباشد، میلیون‌ها دانه، تسبیح نمی‌شوند. اگر سد نباشد میلیاردها قطره آب، برق تولید نمی‌کند. با وجود این همه مسلمان کمبود چیست؟ اصولاً در عربستان کمبود چیست؟ در آنجا که این همه نماز جماعت و حج وجود دارد؛ ولی کمبود بزرگ آن، نبود یک رهبر آسمانی است. اگر کشور حجاز به نصّ قرآن عمل کند، مشکلات مسلمانان برطرف خواهد شد.

اگر مسلمان‌ها به قرآن عمل کنند: ﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ﴾؛ هیچ اسراف کاری نباید رهبر بشود. آیا حاکمان کشورهای اسلامی اسرافکار نیستند: ﴿وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾.^۱ قرآن می‌گوید فرد فاسد نباید رهبر شود: ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ﴾^۲ کسانی که سابقه خرابی دارند، نباید

۱. کانس، ج ۴، ص ۵۴۹.

۲. شعراء (۲۶)، ۱۵۱.

۳. اعراف (۷)، ۱۴۲.

۴. مائده (۵)، ۷۷.

رهبر شوند؛ افراد جاهل نباید سردمدار شوند. با نگاهی گذرا به سردمداران کشورهای اسلامی آنچه ملاحظه می‌کنیم، خلاف نکات قرآنی است که در مورد بایسته‌های رهبری و حاکم جامعه عنوان شد.

﴿فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ﴾^۱ قرآن می‌گوید: جامعه اسلامی باید روی پای خودش بایستد: ﴿وَلَا تُطْعَمُنَّهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا﴾^۲ گنهگار و کافر نباید رهبر شود. اصل اول رشد ما، مکتب بود و اصل دوم رهبری بود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمَرَ النَّاسُ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ»^۳. خدا فرمان داده است که به مکه بیایید و دور این سنگ‌ها بچرخید: «فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ». بنابر سخن خداوند یکی از اسرار، فلسفه‌ها و آثار رفتن به مکه این است که دور مکه بچرخید تا در آن‌جا امام را ببینیم و با او ملاقات کنیم. مکه وعده‌گاه امت با امام است. آن‌جا حسینیه جماران کشورهای اسلامی و وعده با امام است: «وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ» در آن‌جا همه باید بگویند: «آقا! همه ما با توهستیم»؛ با امام بیعت کنند و قدرت‌ها و امکاناتشان را بسنجند و در اختیار امام قرار بگیرند. آیا رهبر مقتدری نیست که این نیروها را بسیج کند و کفر جهانی را بکوبد؟! البته که هست! انشاءالله حضرت مهدی علیه السلام به همین کعبه تکیه می‌دهد؛ نیروهای لایق را دور خود جمع و کفر را سرنگون می‌کند.

۱. فتح (۴۸)، ۲۹.

۲. دهر (۷۶)، ۲۴.

۳. کفای، ج ۴، ص ۵۴۹.

۳۶. امام زمان چگونه ناظر اعمال ماست؟

بر اساس روایاتی که در اصول کافی آمده است کارهای ما به حضرت مهدی عرضه می‌شود. بنابر آیات قرآن عمل ما را خدا و رسول خدا می‌داند؛ مومنین هم می‌دانند. در چندین روایات آمده است که کارهای شما به پیامبر خدا و به امام زمان علیه السلام عرضه می‌شود. اگر اشتباهی بکنیم و بدانیم که از اشتباه ما فیلم برداری کردند؛ اگر حرف چرندو پرنده بزنیم و بدانیم این حرف ضبط شده و می‌خواهند حرف ما را خدمت رهبر انقلاب ببرند و پخش کنند؛ اصلاً دیگر خوابمان نمی‌برد و فکر می‌کنیم باید از این مملکت فرار کنیم. اگر بدانیم یکی از حرف‌های ما لو رفته است، یا مثلاً کاری کردیم که در حال ارتکاب آن کار، عکس ما را گرفته‌اند، از ترس رنگ در صورتمان نخواهد ماند. در اصول کافی آمده است که تمام کارهای مسلمان، چه خوب و چه بد، خدمت حضرت مهدی می‌رسد؛ پس حالا که حضرت مهدی کارهای ما را می‌داند حداقل خجالت بکشیم و سعی کنیم

خلافی انجام ندهیم. حداقل روزی، یا چند روز یک‌بار به ایشان توجهی داشته باشیم: «اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِیَّةَ اللّٰهِ فِي اَرْضِه» او هم خیلی ناراحت است. اگر در فیلمی ببینید که چند نفر اسرائیلی بر سر یک فلسطینی آزادی خواه مسلمان ریخته و با سنگ استخوان بازوی او را می‌شکنند، هرحالی که پیدا کنید، میلیون برابر درباره حضرت مهدی علیه السلام مصداق دارد؛ چرا که غیرت او خدایی است.

۳۷. در برخی از روایات آمده است که هر قیامی قبل از ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام طاغوت و باطل است. آیا می‌توان به این روایات اعتماد کرد؟

بعضی فکر می‌کنند که اگر کسی قبل از قیام امام زمان، حرکت و یا نهضتی کند، اشتباه است. این روایات در مورد کسی است که قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام، قیام کند و مردم را به سوی خودش دعوت کند؛ در این صورت قیامش باطل و خودش نیز طاغوت است؛ اما اگر کسی قیام کند تا زمینه برای حضرت مهدی فراهم شود، این قیام باطل نیست. ما در قرآن داریم که با ظالم مبارزه کن؛ اگر این‌طور باشد پس احادیث مربوط به قیام علیه ظلم باطل می‌شود. نمی‌توان پشت این تفکر مخفی شد که امام خودش می‌آید و همهٔ امور را درست می‌کند؛ پس این همه آیات دربارهٔ دفاع از مظلوم برای چیست؟ دفاع از مظلوم، در دهان ظلم کوبیدن، نهی از منکر، اجرای حدود اسلامی، دفاع؛ مگر می‌توان قرآن را تعطیل کرد، تا خود آقا بیاید. اگر حدیثی دیدید که می‌گوید: تکان نخورید؛ آقا می‌آید و همه چیز را درست می‌کند، بدانید که این حدیث را باید به دیوار کوبید؛ چون این

حدیث با آیات قرآن یکسان نیست. قرآن تأکید می‌کند: «با ظالم بجنگ و از مظلوم حمایت کن.» بدون شک برخی افراد و سردمداران طاغوتی می‌خواستند مردم را برده خودشان کنند بنابراین به عده‌ای وابسته به دربار طاغوت پول می‌دادند تا این حدیث‌های جعلی را بسازند. حدیث داریم که می‌گوید: از امیر اطاعت کن، گرچه معصیت کرده باشد! نمی‌توانم بگویم منبع این احادیث در چه کتابی است. این حدیث‌ها را باید آتش زد. بنابر احادیث مستند و معتبر اسلامی باید حدیثی را که ضد قرآن است به دیوار کوبید و مغز کسی را هم که آن حدیث را گفته، می‌توان به دیوار زد. با کدام عقل سلیم باید باور کرد که قبل از قیام مهدی نباید قیام کنیم و بگذاریم امیر و حکومت طاغوت هرکاری می‌خواهد، انجام دهد! قرآن می‌گوید: ﴿لَا تَطْعَمُنَّهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا﴾؛ از کسی که گناه می‌کند، اطاعت نکن! ﴿وقتی قرآن می‌گوید: از آدم فاسد اطاعت نکن و در حدیث جعلی آمده است که اطاعت بکن؛ بنابراین باید این حدیث‌ها را به دیوار کوبید و از بین برد. مؤید این مطلب قیام زید است. زید، پسر امام سجاد علیه السلام قیام کرد و امامان ما نیز از او حمایت کردند. گاهی ائمه خود، می‌فرمودند که برو با طاغوت بجنگ، خرج تو را می‌دهم؛ زیرا صلاح نیست که من بیایم. من وقتی می‌آیم باید حکومت حسابی تشکیل بدهم که آن شرایط آماده نیست؛ اما برای این که یک سیلی بزنی، مثلاً تو جلو برو. بنابراین قیام قبل از ظهور می‌تواند زمینه ظهور را فراهم کند.

۳۸. وقتی امام زمان بیاید، چه اتفاقی روی خواهد داد؟

ظهور امام زمان اتفاقات مختلفی را به دنبال خواهد داشت که می‌توان از جمله آنها به موارد زیر اشاره کرد:

الف) با آمدن امام زمان مردم رشد عقلی پیدا می‌کنند؛

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ؛ امام که بیاید دستی روی سر مردم بکشد، مردم رشد عقلی پیدا می‌کنند.

به قدری مردم رشد می‌کنند که طبق آنچه در روایات آمده است: «تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»^۲ یعنی زن‌ها در خانه قدرت قضاوت پیدا می‌کنند.

به نظر می‌آید در سایه این رشد عقلی، قدرت جسمی هم می‌یابند. ایمان طرفداران امام مثل آهن سخت و محکم می‌شود. یک نفر از آن‌ها با چهل نفر طرف می‌شود. آدم ضعیف و سست

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲. همان، ص ۳۵۲.

اراده نمی‌تواند یار امام زمان باشد، ممکن است پیر باشد؛ ولی دارای اراده قوی خواهد بود.

ب) امام زمان که ظهور کند، مردم با هم مهربان می‌شوند: «تمشی المرأة بين العراق و الشام...»؛ یک زن بین عراق و شام مسافرتی طولانی می‌کند در حالی که هیچ مزاحمتی برای او ایجاد نخواهد شد.»

۳۹. رضایت امام زمان از چه راهی به دست می آید؟

رضایت امام زمان از منتظران، موجب خشنودی خداوند متعال از ایشان می‌گردد. اهتمام به جلب رضایت امام زمان همواره موجب توجه منتظران قرار گرفته است آن‌چنان که حتی در اوج جهاد در راه خدا و جانفشانی برای امام از آن غافل نبوده‌اند؛ برای مثال بعضی از یاران امام حسین علیه السلام وقتی روز عاشورا به زمین می‌افتادند و امام سر آن‌ها را به دامن خود می‌گرفت، آنان خطاب به حضرت می‌گفتند: «أَرْضَيْتَ عَنِّي!» آیا از من راضی شدی؟» پس به نظر می‌رسد که سؤال بسیار مهمی است. حال باید این نکته را پرسید:

چه کارهایی موجب خشنودی و رضایت امام زمان علیه السلام است؟ بر اساس قرآن کریم و روایات، چند عامل رضایت امام زمان را به دنبال دارد:

۱- ابتدا باید خدا و پیامبر او را از خودمان راضی کنیم. قرآن

۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۹۷.

می فرماید: ﴿وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ﴾^۱؛ خدا و رسولش ذی حق تر و سزاوارتر هستند که ما آن‌ها را راضی کنیم. و اگر آن‌ها از ما راضی شدند، امام زمان هم راضی می شود. قرآن می فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾^۲؛ خدا از آن‌ها راضی است و آن‌ها از خدا راضی هستند. بررسی قرآن کریم نشان می دهد رضایت مندی انسان از خداوند متعال، او را در مسیر خشوع و خضوع در برابر پروردگار عالم قرار می دهد. قرآن پس از «رضی الله»، می فرماید: ﴿ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾^۳ بر این اساس، تقوا و ترس از خدا موجب رضایت او می شود؛ در نتیجه تقوا عاملی مهم برای جلب رضایت خداوند متعال است. به همین مناسبت در حدیث آمده است: «هرکس منتظر امام زمان علیه السلام است، باید تقوا و ورع پیشه کند.»

بنابراین افراد مجرم و گنه کار نمی توانند منتظر امام زمان علیه السلام باشند. کسی که منتظر مصلح است، باید خود نیز فرد صالحی باشد.

۲- همان طور که امام زمان علیه السلام سفارش فرموده است در زمان غیبت او از مجتهد باتقوا و عادل اطاعت کنیم.

۳- برای رضایت آن حضرت علیه السلام روزی حلال به دست آوریم

۱. توبه (۹)، ۶۲.

۲. مائده (۵)، ۱۱۹.

۳. بینه (۹۸)، ۸.

بر شخص منتظر لازم و واجب است که مخارج زندگی اش حلال و پاک باشد. برای داشتن روزی حلال، پرداخت حقوق واجب شرعی مانند خمس لازم است؛ چرا که این امر موجب پشتیبانی از ترویج معارف اسلامی به ویژه مهدویت و معرفت به امام عصر علیه السلام در دنیای اسلام خواهد شد و می‌تواند جامعه اسلامی را از محرومیت فرهنگی نجات دهد.

افزایش معرفت نسبت به امام زمان وظیفه‌ای است که غفلت از آن، به سطحی‌نگری نسبت به مهدویت می‌انجامد و به نوعی این آموزه را به سوی عوام‌گرایی می‌برد و از کارکرد واقعی آن دور می‌کند.

۴- توجه به امام زمان علیه السلام از راه ادعیه و زیارات، به ویژه دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد، دعای معرفت و دعای غریق می‌باشد. در احادیث به انس و الفت با این دعاها در عصر غیبت بسیار سفارش شده است.

خواندن دعای سلامتی امام زمان علیه السلام «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بن الحسن صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلِيَّ آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيَا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.»

۵- رعایت تقوای الهی نیز رضایت امام زمان، را به دنبال دارد چرا که عدم رعایت تقوا به منزله نداشتن عمل است. خداوند

در این باره می‌فرماید: «قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ هر آینه خداوند از متقین عمل خوب را می‌پذیرد.»؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت فردی که تقوا ندارد، توانایی جلب رضایت امام زمان را داشته باشد.

برای ارزیابی تقوا می‌توان آثار آن را در عبادات و مثلاً در روزه‌هایی که گرفته شده، بررسی نمود. اگر به احترام ماه رمضان کم‌تر ناسزا گفتیم کم‌تر غیبت کردیم، راحت‌تر از گناه چشم پوشیدیم، بدون شک تقوای موجود در ماه رمضان بر ما اثر گذاشته است. چنین عملی با تقوا معتبر می‌گردد و در قیامت از سوی خداوند خریداری می‌شود.

همان‌طور که در دنیا کالای استاندارد معتبر و قابل مصرف است؛ در قیامت هم عملی که از روی تقوا انجام شده باشد، پذیرفته می‌گردد.

از مصداق‌های مهم رعایت پرهیزگاری، رعایت حق الناس است؛ بنابراین بر منتظران راستین ظهور لازم است از موانع رضایت امام زمان، مانند حق الناس پرهیز نموده، از آن دوری نمایند.

۴۰. امام زمان در بقای هستی چه نقشی دارد؟

در پاسخ به این سؤال در روایات آمده است: «لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛ اگر حجت خدا در زمین نباشد، زمین اهلش را در کام خود فرو می‌برد.» خداوند در آیاتی از قرآن کریم می‌فرماید: «خَلَقَ لَكُمْ»؛ «سَخَّرَ لَكُمْ»؛ «خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^۱. این در حالی است که بر اساس روایات و آیات گناه و ظلم، عامل کفرهای الهی در دنیا است؛ چنان که در قرآن کریم آمده است: «لَوْ يُرِيدُ اللَّهُ الْخَلْقَ النَّاسِ بِيُظْلَمِهِمْ مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ»^۲؛ بر این اساس چنانچه خداوند متعال به خاطر ظلم و ستم بندگان آنها را مؤاخذه نماید، از شدت عذاب الهی هیچ جنبنده‌ای روی زمین باقی نخواهد ماند و نعمت‌هایی را که به خاطر انسان آفریده شده اند از او باز پس خواهد گرفت. مطلب قابل توجه در این میان، زندگی سرشار از نعمت انسان‌ها با وجود گناه فراوان آنهاست که از تأمل در آن در می‌یابیم که ایمن بودن انسان از

۱. بقره (۲)، ۲۹.

۲. نحل (۱۶)، ۶۱.

عذاب الهی به سبب عاملی است که در قرآن کریم و روایات به عنوان حجت الهی از آن یاد شده است در قرآن کریم نیز در این باره آمده است:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ﴾ خدا مردم را عذاب نمی‌کند؛ زیرا ﴿وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾؛^۱ چون تو در بین مردم هستی. جهان برای بشر آفریده شده است: ﴿خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾؛^۲ «جمیعاً»؛ یعنی هر آنچه در زمین است، برای بشر خلق شده و بشر هم برای عبادت آفریده شده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛^۳ هستی برای ما و ما هم برای بندگی خدا آفریده شده‌ایم. بنابر قرآن اگر خدا بخواهد به خاطر گناهانمان ما را مؤاخذه کند، به محاسبه بکشاند و مجازاتمان کند؛ همه نابود خواهیم شد؛ این در حالی است که با وجود گناه‌کار بودنمان خدا همه را نابود نمی‌کند و این تنها به خاطر وجود پیامبر در بین مردم است: ﴿وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾؛^۴ ممکن است کسی بگوید: «وَأَنْتَ» برای شخص پیامبر است و شامل سایر اهل بیت نمی‌شود در پاسخ باید گفت: «بِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمِّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ» یا «بِكُمْ فَتَحَّ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ»^۵ یعنی شخص پیغمبر به عنوان ولی خدا است. در

۱. انفال (۸)، ۳۳.

۲. بقره (۲)، ۲۹.

۳. ذاریات (۵۱)، ۵۶.

۴. انفال (۸)، ۳۳.

۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵.

اینجا شخص مهم نیست بلکه مقام نبوت و مقام رسالت است که باعث رفع عذاب می‌شود و این مقام ولی‌اللهی به اهل بیت او هم رسیده است. بر اساس زیارت جامعه کبیره صفاتی را که ما برای پیغمبر می‌گوییم، همه را برای امیرالمؤمنین هم قائل هستیم؛ همه را برای حضرت مهدی هم قائل هستیم، در این میان فقط یک تفاوت وجود دارد و آن اینکه فقط به پیغمبر وحی می‌شد. بنا بر گفته شیعه و سنی، پیامبر ﷺ به علی بن ابی طالب ﷺ فرمود: «تو همه مقامات مرا داری؛ مگر این که بعد از من پیامبری نخواهد بود: أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»^۱

به هر روی، تا زمانی که حضرت مهدی در میان امت است، تعجیل در عذاب مهدی باوران صورت نمی‌گیرد و این از برکت وجودی امام عصر ﷺ است. از این رو برای سلامتی و ظهور او در دعا تأکید می‌شود و که خداوند همواره و برای همیشه حضرت مهدی ﷺ را مورد عنایت خاص خود قرار دهد، او را در ولایت الهی خود از همه دشمنان محافظت نماید، راهنمایی‌اش کرده و مورد یاری و نصرت خود قرار دهد تا اینکه در زمین مستقر گردد و ظهورش در تمام عالم جلوه گر شود و حکومت الهی را به او بسپارد.

در روایت بر خواندن دعای سلامتی امام زمان ﷺ به ویژه در

۱. کفای، ج ۸، ص ۲۵.

شب قدر توصیه و سفارش شده است.

زیارت آل یاسین نیز به عنوان زیارت خاص حضرت مهدی عجل الله فرجه مورد توجه آن امام قرار گرفته است. در فراز هایی از این زیارت چنین آمده است: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یسِ السَّلَامِ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللّٰهِ وَ رَبَّنَايَ آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَابَ اللّٰهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ.»

این زیارت از نظر محتوایی بسیار غنی و ارزشمند است. برای همین مقام معظم رهبری به حاجی هایی که به مکه مکرمه مشرف می شوند، سفارش کرده اند، در شب عید قربان و در بیابان عرفات، وقتی لباس احرام بر تن دارید، در بیابان و زیر آسمان این زیارت را بخوانید. به ویژه که بنابر روایات حضرت مهدی عجل الله فرجه هر سال در ایام حج، در مکه هستند. ایشان فرمودند: در آن جا چون همسایه حضرت مهدی عجل الله فرجه هستید، به آن حضرت سلام کنید و زیارت «آل یاسین» را بخوانید.

با توجه به اهتمام ویژه اسلام به مسأله امامت، مسلمان راستین هرگز در عمل به آموزه های دینی از امام به حق و حجت خداوند متعال جدا نمی شود و حکومتی را می پذیرد که فقط خدا آن را تعیین کرده باشد. به همین دلیل، کسی که مدیریت و رهبری جامعه دینی را از طریق رهبر ستمگر بپذیرد، دین ندارد و چنین تفکری مثل آن است که مردم بخواهند از راه معاویه یا حکومت بنی امیه به آئین اسلام عمل کنند. طبیعی

است که این امکان ندارد و نتیجه‌ای جز انحراف از دین و باطل شدن اعمال ندارد؛ چنان‌که در روایت آمده است: «اگر همه مردم نماز شب بخوانند و در نماز از خوف خدا گریه کنند؛ ولی رئیس آن‌ها طاغوت باشد، خداوند می‌فرماید: والله قسم این مردم را به جهنم می‌برم؛ گرچه آنان عملکرد خوبی هم داشته باشند؛ اما مردمی که رهبر و امامشان عادل است، آن‌ها را می‌بخشم؛ گرچه تک‌تک مردم ظالم باشند (گنهکار باشند)، چون نظام آنها نظامی الهی است»؛ بنابراین مدیریت و رهبری فقط باید از راه خدا، ولی و حجت او باشد؛ یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا شاد بودند و می‌خندیدند؛ چرا که همه آنها بهشتی بودند. یکی از آن‌ها خطاب به دوستانش گفت: شوخی نکنید؛ امشب، شب عاشورا است! گفتید: چرا شوخی نکنیم، در حالی که حسین علیه السلام رهبر ما است! اگر رهبر حسین علیه السلام باشد، همه چیز ارزش پیدا می‌کند، حتی اگر شوخی و خنده باشد؛ ولی اگر رهبر یزید باشد، نماز شب هم در آن‌جا ارزش ندارد.

در روایت دیگری آمده است: «کسی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: «آقا! فلانی آدم خوبی نیست، او را رها کنید!» فرمود: «پس، چه کسی خوب است؟!» در جواب گفت: «من یا فلانی.» امام علیه السلام فرمود: «او چه اشکالی دارد؟» گفت: با آدم‌های بد رفیق شده است. و همنشینان خوبی ندارد! امام علیه السلام برای این‌که به

او بفهماند که هر چند بعضی از کارهای آن شخص غلط است؛ اما دارای فضیلت‌هایی نیز هست نامه‌ای به او فرستاد و از او برای کمک به مستمندان درخواست پول کرد. آن شخص نیز پس از دریافت نامه از همان آدم‌های به اصطلاح بد، کمک قابل توجهی جمع آوری کرد و برای امام علیه السلام فرستاد. امام صادق علیه السلام پس از این اتفاق همین نامه را به همان شخص به اصطلاح خوب فرستاد و از او نیز برای مستمندان درخواست کمک کرد؛ ولی او و دوستانش به بهانه‌ای از یاری امام صادق علیه السلام خودداری نمودند. پس از آن امام علیه السلام فرمود: برای همین می‌گویم او شخص خوبی است.^۱ دقت و تأمل در این حدیث نشان می‌دهد امام علیه السلام از باطن افراد جامعه به خوبی آگاهی دارد ولی از روی رحمت و اسعه الهی و عنایت ویژه‌ای که به دوستداران اهل بیت: دارد همواره با ایشان از روی محبت و دوستی برخورد می‌نماید؛ به ویژه امام عصر علیه السلام که به یمن وجود او نظام هستی برپاست و خداوند متعال به برکت او شیعیان را در مشکلات یاری می‌کند. در این باره در توقیعی از امام عصر علیه السلام آمده است: «اگر دعای من برای شما نبود، دشمنان شما را از بین می‌بردند.»

۱. به جهت روان بودن مطلب از ترجمه محتوایی بهره گیری شده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا*، انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۳. _____ *کمال الدین و تمام النعمه*، طبعه نور، ۱۳۸۳ ش.
۴. _____ *من لا یحضره الفقیه*، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
۵. ابن شعبه، حسین بن علی، *تحف العقول*، دارالحديث، ۱۳۸۴ ش.
۶. اخطب خوارزم، موفق بن احمد، *مناقب*، جامعه مدرسین، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۷. الهی قمشاهی، مهدی، *مناقب الجنان*، ۱۳۸۷ ش.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، جامعه مدرسین، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۹. طبرسی، احمد بن علی، *احتجاج علی اهل اللجاج*، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. طبری، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، بی جا، بی تا.
۱۱. غزالی، ابو حامد، *مشکاة الانوار*، شیخی، ۱۳۹۱ ش.
۱۲. فیض الاسلام، علینقی، *نهج البلاغه*، فقیه، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، درالثقلین، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. مفید، محمد بن محمد، *ارشاد*، سرور، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. نعمانی، ابوزینب، *الغیبه*، مدین، ۱۳۸۴ ش.